

(مقاله پژوهشی)

عوامل مؤثر بر تأمین مالی مشاغل کارآفرینانه در فرایند آموزش عالی (مورد مطالعه: شرکتهای نوپای حوزه گردشگری دریایی)

حسین اسلامی مفیدآبادی^{۱*}، لیلا سعیدی^۲

چکیده

هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی عوامل مؤثر بر تأمین مالی مشاغل کارآفرینانه در فرایند بخش آموزش عالی دانشگاه با تأکید بر شرکتهای نوپای مبتنی بر حوزه تولیدات و گردشگری آبی بوده است. روش بررسی این تحقیق از نظر هدف کاربردی و از نظر نحوه گردآوری دادهها از تحقیقات توصیفی از نوع پیمایشی است. برای جمعآوری دادهها از ابزار پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش شامل کارشناسان، خبرگان و فعالان حوزه شرکتهای نوپای حوزه گردشگری دریایی در ایران بوده است. از این رو، با توجه به نامحدود بودن تعداد جامعه آماری، انتخاب نمونه با استفاده از کرجسی و مورگان و به شیوه تصادفی ساده به تعداد ۳۸۴ نفر تعیین شده است. پس از تجمیع پرسشنامه از پاسخدهندگان، دادههای پژوهش در دو سطح آمار توصیفی و استنباطی و با نرم افزارهای اس.پی.اس. اس. (SPSS23) و نرم افزار اسمارت پی.ال.اس. (SmartPLS) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. به طور کلی نتایج فرضیههای پژوهش حاضر نشان داد که عوامل محیطی و زمینه‌ای عوامل درون‌سازمانی بر تأمین مالی مشاغل کارآفرینانه در فرایند بخش آموزش عالی دانشگاه که در بین شرکتهای نوپای مبتنی بر حوزه تولیدات و گردشگری آبی تأثیر معناداری دارد. از این رو، نتایج این پژوهش به نوبه خود به بخش آموزش عالی در دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی کشور کمک نموده تا با استفاده از عوامل و راهبردهای محوری معرفی شده در راستای ارتقاء کارآفرینی گامهای مؤثرتری را بردارند.

واژگان کلیدی: تأمین مالی کارآفرینانه، مشاغل کارآفرینانه، فرایند آموزش عالی، شرکتهای نوپا، گردشگری دریایی

تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۰۱/۳۱

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۹/۱۲/۰۹

^۱ استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شهریار، گروه حسابداری و مدیریت، شهریار، ایران، (نویسنده مسئول: Hossein_Eslami@sahriau.ac.ir).

^۲ استادیار گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت، واحد تهران غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

مقدمه

یکی از پیش شرط‌های استقرار اقتصاد دانش‌بنیان در کشورهای در حال توسعه، همپایی فناورانه است که به دنبال کاهش شکاف فناوری در کشورهای در حال توسعه است. بخش قابل توجهی از چالش‌ها و نیازمندی‌های مطرح در راستای همپایی فناورانه و تحقق اهداف ملی، توسط نظام آموزش عالی کشور محقق می‌شود (ملکی کرم آباد و همکاران، ۱۳۹۹). در حقیقت، یکی از بخش‌های کلیدی در هر جامعه و در هر دوره‌ای از زندگی بشر وجود مراکز آموزشی و یادگیری به شکل‌های گوناگون بوده است. البته، وجود دانشگاه در بین جوامع به سال‌های بسیار دو برمی‌گردد. به طوری که در یک تقسیم‌بندی نخستین دانشگاه‌ها به شکل مکتب‌خانه‌ای بوده که در ایران و روم و در بین برخی کشورهای عربی صاحب قدمت و روشنفکری و جستجوگر علم وجود داشت. بیشترین آثار علمی در این دوران هم توسط اندیشمندان مسلمان در جهان انتشار پیدا نموده است؛ اما بعد از وقوع تحولات فکری در جهان به خصوص در اروپا و برخی کشورهای دیگر در جهان، موضوع تأسیس دانشگاه به شکل‌های متفاوتی دنبال شده است. درجائی که ریشه‌های تأسیس نخستین دانشگاه دانشگاه‌ها در قرن دوازدهم و سیزدهم میلادی، یعنی از بین مدارس مسیحیت (دانشمندان علوم کلیسایی مسیحیت) پدید آمده‌اند. به طوری که فعالیت‌ها و نقش‌های آموزشی و پژوهشی این نوع نظام آموزشی در آن دوران هم در سال‌های بعد از ایجاد آن مدارس یعنی در سال ۱۸۱۰ میلادی و آن‌هم با ایجاد دانشگاه برلین به عنوان اولین دانشگاه پیشرفته در آن دوران دنبال می‌گردید (سانابریا-رنجل و همکاران، ۲۰۱۵)؛ اما در حال حاضر، از نظر نوع نقش و وظایفی که بر عهده دارد دانشگاه پنج نوع نظام دانشگاهی در جهان قابل شناسایی است (فرناندز و همکاران، ۲۰۰۰). ابتدا دانشگاه و نظام دانشگاهی به شکلی مدیریت می‌گردید که فعالیت‌های اصلی آن‌هم در جهت آموزش دانشجویان دنبال شده است؛ اما دانشگاه نوع دوم، همان دانشگاه سنتی بوده که در آن نقش‌های سنتی نظیر انجام آموزش و پژوهش‌های گوناگون با همدیگر ترکیب شده است. دانشگاه سوم، همان دانشگاه اجتماعی محور بوده که در آن بحث و بررسی و حل مسائل جامعه نقش فعالی را ایفا می‌کند. دانشگاه نوع چهارم، هم یک دانشگاه کسب‌وکار محور بوده که در آن پیگیری و انجام فعالیت‌های آموزشی و تحقیق و توسعه بر اساس معیارهای کسب‌وکار صورت می‌گرفت. در نهایت دانشگاه نوع پنجم، نیز همان دانشگاه کارآفرینی (خلاقیت و نوآوری) بوده که در این نوع نظام دانشگاهی هم در حوزه فعالیت‌های اجتماعی دنبال می‌شود و نقش برجسته‌ای هم در تحولات کارآفرینانه و موضوع اشتغال برعهده دارد. علاوه بر انجام وظایف و کارکردهای اصلی آموزش و پژوهش، بر خورنداری از یک مأموریت اصلی سوم هم برای جامعه مهم بوده که می‌بایست در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی گنجانده شود که شامل: تقویت پروژه‌های کارآفرینی یا اجرای پروژه‌های توسعه با همکاری سایر نمایندگان در نظام منطقه‌ای گوناگون است (گارسیا-پنولوو و همکاران، ۲۰۱۶). در جایی که دانشگاه‌ها می‌توانند به طور جدی در این طرح‌ها مشارکت داشته باشند، زیرا از نزدیک به بازارها دسترسی دارند و از زمان مشاهده امور، آگاهی صحیحی از روندهای مختلف دارند (کالکین، ۲۰۱۶). در جامعه دانش امروز، دانشگاه‌ها به طور فزاینده و مستقیمی به عنوان یک مروج توسعه اقتصادی و اجتماعی تبدیل شده‌اند (فرناندز و همکاران، ۲۰۰۰). در حقیقت، امروزه دانشگاه‌ها نقش آموزش و پرورش را در ایجاد جوامع بر اساس ارزش‌های عدالت، عدالت اجتماعی و پایداری تشخیص داده‌اند (بزانلا و همکاران، ۲۰۲۰). البته، لازم به ذکر است که اصطلاح دانشگاه کارآفرینی در سال ۱۹۹۸ میلادی توسط پژوهشگری به نام اتکوویتس (۲۰۰۳)، معرفی شده است (اتکوویتس، ۲۰۰۳) و در این تعریف ایشان به توسعه اقتصادی منطقه اشاره دارد (اوشی و همکاران، ۲۰۰۴). این مفهوم همچنین به عنوان یک مدل منحنی شکل سه‌گانه شناخته شده که رابطه بین دانشگاه‌ها، صنایع و سازمان‌های دولتی در آن

¹.Sanabria-Rangel, P.E & et al.

².Fernández, I & et al.

³.García-Peñalvo, F.J & et al.

⁴.Culkin, N.

⁵.Fernández, I & et al.

⁶.Bezanilla, I & et al.

⁷.Etzkowitz

⁸.O'Shea, R & et al.

در نظر گرفته شده که شرایط لازم برای تحریک نوآوری را توصیف می کند (گونزالس^۱، ۲۰۰۹)، یعنی نتایجی همچون ایجاد دستگاه‌های گرم‌خانه (انکوباتور و عنوان اتو آزمایشگاهی) و یا ساختارهای حمایتی از اساتید و دانشجویان برای شروع مشاغل جدید (پی-لی و چن چن^۲، ۲۰۰۸) و بالا بردن آگاهی و ارتقاء کارآفرینی را به دنبال دارد (تورجین^۳، ۲۰۱۳). همچنین، نویسندگان دیگری، از جمله سوبوتکی^۴ در سال (۱۹۹۹) میادی (به نقل از پی-لی و چن چن^۵، ۲۰۰۸)، دانشگاه‌های کارآفرینی را به عنوان واحدی که دارای مشارکت بسیار نزدیک بین دانشگاه و کسب و کار معرفی نمودند. درجایی دانشکده‌ها را به عنوان عهده دار مسئولیت بیشتری برای به دست آوردن وجوه خارجی و درجایی دیگر هم به عنوان وجود مرجع اخلاق مدیریتی در حکمرانی نهادی، رهبری و برنامه ریزی تعریف نمودند. لازم به ذکر است که رابطه بین این سه بازیگر اصلی، یعنی دانشگاه، صنعت و دولت به صورت مشخصی به هم وابسته است. به عبارت دیگر، این بازیگران یکدیگر را شرط می کنند و یک واحد سازمانی دیگری را تشکیل می دهند (مونتویا^۵، ۲۰۰۹). بر این اساس، با توجه به مرور مبانی نظری به نظر می رسد که شرکت‌های نوپای کارآفرین در مسیر اهداف کسب و کار خود با مشکلات عدیده‌ای مواجه هستند. یکی از این مشکلات عدیده همان موضوع تأمین مالی این نوع بنگاهها در عرصه اقتصاد می باشد. به عبارت دیگر، می توان گفت که تأمین مالی مناسب یکی از مشکل ترین و پیچیده ترین عناصر در فرایند راه اندازی کسب و کارهای کارآفرینانه است (چیت سازان و همکاران، ۱۳۹۶). به طوری که این جریان در خصوص تأمین مالی مشاغل کارآفرینانه دریایی در فرایند آموزش عالی دانشگاه نیز مصداق دارد. زیرا بررسی های میدانی و نظری پژوهشگران در جهان نشان می دهد که عمده دانشگاه های کارآفرین به دلیل عدم برخورداری از بودجه و منابع مالی کافی؛ نتوانستند در حوزه فعالیت های شرکت های نوپای گام های محکم تر و اقدامات مؤثری بردارند. از این رو، اهمیت و ضرورت داشته که در بررسی های آتی پژوهشگران به موضوع بررسی عوامل مؤثر بر تأمین مالی مشاغل کارآفرینانه دریایی در فرایند آموزش عالی دانشگاه پرداخته شود. البته، در این پژوهش به دلیل وجود برخی از محدودیت های بالقوه صرفاً، به صورت یک مطالعه موردی در خصوص عوامل مؤثر بر تأمین مالی مشاغل کارآفرینانه دریایی در فرایند آموزش عالی دانشگاه با تأکید بر شرکت های نوپای مبتنی بر حوزه تولیدات و گردشگری آبی بررسی های علمی و پژوهشی مربوطه انجام می شود. اما، در ادامه، سعی بر آن است که برخی از مهم ترین واژگان و تعارف نظری و عملیاتی مربوط به زمینه های مورد بررسی این پژوهش ارایه شود.

عوامل زمینه ای محیطی و توسعه عوامل درونی: مطابق با مبانی نظری و بررسی های پژوهشگران به نظر می رسد که عوامل زمینه ای محیطی نظیر زمینه های حقوقی و اداری، کسب و کار و سازمانی با توسعه عوامل درونی در فرایند آموزش عالی دانشگاه ارتباط معناداری دارد (بزانا و همکاران، ۲۰۲۰).

عوامل منابع محوری و تدوین راهبردهای کلیدی مشاغل کارآفرینانه محور: عوامل مربوط به منابع محوری نظیر بودجه کارآفرینی، آموزش کارآفرینی برای کارکنان دانشکده، توسعه ظرفیت های فکری، علمی و پژوهش متخصصان دانشگاه با تدوین راهبردهای کلیدی مشاغل کارآفرینانه محوری نظیر تدوین ماموریت و راهبردهای کلیدی، سیاست ها و رویه های گوناگون ارتباط معناداری دارد (بزانا و همکاران، ۲۰۲۰).

عوامل زمینه ای محیطی و توسعه زیرساخت های کارآفرینی: عوامل مربوط به منابع محوری شامل بودجه کارآفرینی، آموزش کارآفرینی کارکنان دانشکده، دامنه شمول متخصصان با توسعه ساختارهای حمایت کننده کارآفرینی شامل پشتیبانی از تیم مدیریت، طراحی سازمانی ارتباط معناداری دارد (بزانا و همکاران، ۲۰۲۰).

عوامل زمینه ای محیطی و توسعه فرایندهای کارآفرینی: عوامل مربوط به منابع محوری شامل بودجه کارآفرینی، آموزش کارآفرینی کارکنان دانشکده، دامنه شمول متخصصان با توسعه فرایندهای کارآفرینی شامل آموزش و تحقیقات کارآفرینی،

¹.González, T. El

².Pei-Lee, T.; Chen-Chen, Y.

³.Torrejón, A.

⁴.Subotzky

⁵.Montoya, O.

آموزش کارآفرینی به عنوان یک فوق برنامه درسی، روش‌های فعال، بین‌المللی سازی فعالیت‌های مورد پیگیری ارتباط معناداری دارد (بزانلا و همکاران، ۲۰۲۰).

تأمین مالی شرکت‌های نوپای کارآفرین: کارآفرینی موتور محرک توسعه و پیشرفت اقتصادی و ایجاد شغل و اصلاح اجتماع محسوب می‌شود. کارآفرینی فرایند اشتغال زایی و کسب سود از ترکیب ارزشمند منابع می‌باشد. اصطلاح کارآفرین به کسی اطلاق می‌شود که متعهد شود مخاطره‌های یک فعالیت اقتصادی را سازمان دهد، اداره و تقبل کند. کارآفرینان نقش مهمی در حرکت چرخ‌های توسعه اقتصادی به عهده دارند و منشأ تحولات بزرگ در زمینه‌های صنعتی، تولیدی و خدماتی در سطح سازمانها محسوب می‌شوند. لذا، یکی از مهمترین چالش‌های پیش روی کارآفرینان و یا شاید مهمترین مانع آنها برای راه اندازی و استمرار کسب و کارشان، تأمین منابع مالی مورد نیاز است (آقاجانی و همکاران، ۱۳۹۲). یکی از شرکت‌های کارآفرین نوین همان شرکت‌های نوپای مربوط به صنایع گوناگون است. تفسیرهای متفاوتی در مورد شرکت‌های نوپا وجود دارد، به طوری که این تعاریف می‌تواند در دو بخش کیفی و کمی طبقه‌بندی شود. مطابق با نظر تیمونز و اسپینلی^۱ (۲۰۰۸) شرکت‌های نوپا، شرکت‌هایی کم‌تجربه و دارای یک ایده نوآورانه هستند که به صورت یک شرکت با رشد بالا توسعه پیدا می‌کنند. موفقیت آنها متکی به رهبری قوی کارآفرین و ایجاد یک گروه با استعدادها می‌باشد. جیاردینو و همکاران^۲ (۲۰۱۴) بیان کردند شرکت‌های نوپایی که جدیداً تأسیس شده‌اند شرکت‌هایی با سابقه کم در نوسانات زیاد فن‌آوری و بازار قرار دارند (لسکیننوا و همکاران^۳، ۲۰۱۵). اما مووعی بسیار مهمی که در خصوص شرکت‌های نوپای کارآفرین وجود دارد آن است آنها عمدتاً در خصوص تأمین مالی چرخه و زنجیره ارزش خود دچار مسائل و محدودیت‌هایی هستند. درحقیقت، تأمین مالی مناسب یکی از مشکل‌ترین و پیچیده‌ترین عناصر در فرایند راه‌اندازی کسب‌وکارهای کارآفرینانه است (چیت‌سازان و همکاران، ۱۳۹۶). در ادامه هم در جدول شماره (۲)، به بیان برخی از مهم‌ترین پژوهش‌های انجام شده در داخل و خارج از کشور در رابطه با موضوع پژوهش حاضر پرداخته می‌شود.

بزانلا و همکاران (۲۰۲۰)، به موضوع عوامل تأثیرگذار در توسعه دانشگاه کارآفرینی پرداختند. یافته‌های نشان می‌دهد که عوامل زمینه‌ای دانشگاهها به مقداری کمی تحت تأثیر عوامل داخلی قرار می‌گیرند. منابع داخلی با روندهایی که دانشگاهها برای ارتقاء کارآفرینی انجام داده‌اند، به میزان متوسط و به صورت بالایی همبستگی دارند. به ویژه، توجه به کارآفرینی در مأموریت، استراتژی، سیاستها و رویه‌های دانشگاهی با کلیه عوامل کارآفرینی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت نتایج این هم‌بخش رابطه معناداری را نشان می‌دهد. همچنین، نتایج بدست آمده نشان داد که حمایت از گروه مدیریت و طراحی سازمانی به عنوان مهمترین عوامل در کارآفرینی نبودند. با این حال، آنها نشان دادند که فرایندهای آموزشی و تحقیق و توسعه به طور مثبت با هم دیگر دارای همبستگی بودند که به نظر می‌رسد، با همه عوامل مربوط به پیشرفت دانشگاه کارآفرینی، به ویژه با مأموریت و استراتژی دانشگاه رابطه معناداری قوی دارند. این یافته‌های آنها همچنین، رابطه بین عوامل دخیل در توسعه دانشگاه کارآفرینی را نشان می‌دهد. آنها بیان کردند که یافته‌های بدست آمده به دانشگاهها کمک می‌کند تا تدابیری اتخاذ کنند که برای ارتقاء کارآفرینی مناسب تر باشد.

یانک (۲۰۱۹)، به موضوع دستکاری کارآفرینی با تأمین مالی مرحله بندی شده پرداختند. ایشان بیان کردند که تأمین مالی بخش مهمی از تنظیمات کارآفرینی محسوب شده که نیازمند یک سری اقدامات مرحله است. البته، در این خصوص استدلال دیگری هم وجود دارد مبنی بر این که مرحله بندی تأمین مالی فعالیت‌های کارآفرینی دارای یک نقطه ضعف است: و آن هم این بوده که کارآفرینان شرایط کوتاه مدت خود را دستکاری می‌کنند تا منابع مالی خود را حفظ کنند. در مقابل این دیدگاه، این پژوهش در می‌یابد که مرحله بندی اقدامات تأمین مالی می‌تواند منجر به دست کاری کمتر یا بیشتری نسبت به تأمین مالی غیرمرحله‌ای منجر شود. در نهایت این که، رفتار در دوره‌های اولیه نوعی «دستکاری مداوم» را ایجاد می‌کند تا دستکاری کامل

¹.Timmons and Spinelli

².Giardino et al

³.Olli Anton Leskisenoja & et. al

که وابسته به مسیر باشد. به طور کلی، مدل این پژوهش پیش‌بینی‌های مربوط به تأمین مالی انبوه، جابجایی شرکت‌های مخاطره پذیر و مسائل مربوط به چرخه عمر در حوزه تأمین مالی کارآفرینی را انجام می‌دهد.

مازار اسلام، آدام فرمت، آلفرد مارکوس^۱ (۲۰۱۸)، به موضوع علامت دهی در مرحله اولیه شروع کسب و کارهای نوپا به کمک‌های مالی دولت ایالات متحده و منابع سرمایه‌گذاری مخاطره پذیر پرداختند. نتایج پژوهش حاضر مزایای برجسته شرکت‌های نوپای مبتنی بر فناوری، در صنایع در حال ظهور که در پی استراتژی‌های علامت دهی از طریق سازمان‌های دولتی بوده را نشان می‌دهد، البته این مهم برای زمانی بوده که آنها تلاش همه‌جانبه برای گذار مهم از طریق مراحل چرخه‌های سازمانی خود را داشتند.

بریندان و فینکل استین^۲ (۲۰۱۷)، به موضوع ناهمگونی فعالیت‌های شرکت‌های تجاری و حجم اشتغال، تخصیص سرمایه در اقتصاد و سیاست‌های غیر ادواری بازار کار پرداختند. آنها در پژوهش خود الگوی توسعه یافته چرخه شغلی در یک بازار کار اصطکاکی مطابق با ساختار اشتغال و ساختار شرکت‌های تولیدی پرداختند. آنها براساس این الگو وضعیت اقتصادی و تاثیر سیاست‌های متمرکز بازار کار غیر ادواری را در بحران مالی جهانی (GFC) مورد ارزیابی قرار دادند. همچنین، شواهد پژوهش آنها نشان داد که مداخله شغلی در بهبود عملکرد برای بنگاه‌های بزرگ موثر می‌باشد. البته، این سیاست‌ها برای بنگاه‌های کوچک منجر به مزایای متمرکز محدودتری شده است. از این رو، براساس نتایج به دست آمده می‌توان بیان نمود که تفاوت در بهره‌وری نیروی کار و مشارکت بخشی در اشتغال و محصولات بنگاه‌های مختلف عامل کلیدی در توضیح دهندگی پاسخ به سیاست‌ها می‌باشند.

اندنس و همکاران^۳ (۲۰۱۶)، به موضوع موضوع تامین مالی برای شرکت‌های نوپا پرداختند. هدف آنها از انجام این پژوهش فهم ساز و کارهای پنهان دستیابی منابع مالی لازم برای شرکت نوپای نوآور در کشور نروژ و ایالات متحده آمریکا بوده است. از این رو، تمرکز اصلی آنها در این پژوهش برشناسایی مناطق اقتصادی در دو بازار مختلف و در شرایط دسترسی به منابع مالی مختلف بوده است. بر این اساس، آنها به تبیین موضوع تفاوت بین سهولت درک دستیابی به سرمایه از نگاه کارآفرین و پیامدهای این تفاوت در رابطه با فعالیت کارآفرینی و نوآوری پرداختند. همچنین، به مقایسه موسسات فراهم کننده سرمایه برای شرکت‌های نوپای نوآور و قابلیت دسترسی به سرمایه و ایجاد تفاوت در درجه فعالیت کارآفرینی بین دو کشور با وضعیت اقتصادی یکسان پرداختند.

سازمان همکاری اقتصادی و توسعه^۴ (۲۰۱۵)، به موضوع رویکردهای جدید برای کسب و کارهای کوچک و متوسط (SME) و تامین مالی کارآفرینی با تأکید بر گسترش وسیع ابزارها پرداختند. این سازمان در پژوهش خود به موضوع رویکردهای جدید برای کسب و کارهای کوچک و متوسط (SME) و تامین مالی کارآفرینی (گسترش وسیع ابزارها) را به عنوان یک دستاورد مهم ارایه نموده است.

مارینا کلاچر چالاپا، یلنا هورات، میا لالیچ^۵ (۲۰۱۴)، به موضوع تجزیه و تحلیل منابع مالی برای شرکت‌های نوپا در کشور کرواسی پرداختند. هدف آنها از پژوهش بررسی موضوع تامین مالی براساس روش‌های سنتی و روش‌های نوین در کرواسی بوده است. مشارکت‌های علمی و پژوهشی در مطالعه آنها مبین آن است که تعداد مطالعات نسبتاً کمی، به ویژه در مبانی نظری مالی داخلی (منظور محدودیت مبانی نظری موضوع تامین مالی شرکت‌های نوپا در کشور کرواسی)، مربوط به این مسائل است. بنابراین، پژوهش آنها می‌تواند به درک بهتر از استراتژی تامین مالی سرمایه‌گذاری‌های کارآفرینی کمک کند. همچنین، آنها براین باورند که نتایج ارائه شده می‌تواند یک مبنای مفید و تشویق برای تحقیق بیشتر در این زمینه و موضوعات مشابه مربوط به شرکت‌های نوپا در سطح محلی و همچنین در سطح جهانی باشد.

¹. Mazhar Islam, Adam Fremeth, Alfred Marcus

². Epstein, Brendan., Finkelstein Shapiro, Alan

³. Andenes and et al

⁴. Organization for Economic Co-operation and Development (OECD)

⁵. Marina Klačmer Čalopa., Jelena Horvat., Maja Lalić

اوشی و همکاران (۲۰۰۴)، به موضوع دانشگاه‌ها و انتقال فناوری: مروری بر مبانی نظری کارآفرینی دانشگاهی پرداختند. آنها در این پژوهش برخی از مهم‌ترین عوامل مربوط به تقویت دانشگاه کارآفرینی یعنی عوامل رهبری از بالا به پایین، سیاست‌های مرتبط با روند کارآفرینی دانشگاهی، حمایت بودجه‌ای (مالی)، دفاتر انتقال فناوری و انکوباتورها حمایت و تشویق‌های مشخص، فرهنگ کارآفرینی، نگرش کارآفرینی و بهبود، دسترسی به سرمایه‌گذاری و همچنین زیرساخت‌ها و خوشه‌های فناوری را معرفی نمودند.

مانیگارت و استروفوی^۱ (۱۹۹۷)، به بررسی تأمین مالی شرکت‌های نوپا مبتنی بر فناوری کشور بلژیک پرداختند. نتایج نشان داد که مهم‌ترین منابع تأمین مالی این نوع شرکت‌های نوپا، کارآفرینان و بانک‌ها بوده‌اند اما بزرگترین مقدار سرمایه را شرکت‌های سرمایه‌گذاری مخاطره‌پذیر (سرمایه‌گذاری مخاطره‌پذیر) و سرمایه‌گذاران خصوصی فراهم کرده‌اند. سرمایه‌گذاران خصوصی و شرکت‌های سرمایه‌گذاری مخاطره‌پذیر نقش مکمل با سرمایه‌گذاران اولیه در شرکت‌های نوپا و رشد سریع دارند. نقش دولت‌ها، دانشگاه‌ها و شرکت‌های دیگر محدود بوده است (مانیگارت و استروفوی، ۱۹۹۷).

شهرابی، اشرفی و عباسی (۱۳۹۸)، به موضوع مدل‌یابی عوامل تأثیرگذار بر تأمین مالی شرکت‌های نوپا با تکنیک دیمتل پرداختند. در این پژوهش آنها عوامل مؤثر بر تأمین مالی شرکت‌های نوپا با رویکرد دلفی فازی، ۶ مؤلفه همراه با زیر معیارها شناسایی و استخراج نمودند. با استفاده از تکنیک دیمتل علاوه بر اولویت‌بندی هم بین مؤلفه‌ها، روابط علی و معلول بین مؤلفه‌های اصلی مؤثر در تأمین مالی شرکت‌های نوپا تعیین شده است. در نهایت از ۶ مؤلفه اصلی در تأمین مالی این بنگاه‌ها، ۴ مؤلفه به ترتیب عوامل ریسک موجود در ایده، ویژگی بازار، ویژگی ایده و ویژگی مالی به‌عنوان علت و ۲ عامل ویژگی حقوقی و ویژگی‌های زیرساخت همراه با زیرمجموعه هر یک به‌عنوان معلول در تأمین مالی شرکت‌های نوپا شناسایی شده‌اند که برای سرمایه‌گذاران شرکت‌های نوپا حیاتی هستند.

نایچ حقیقی و همکاران (۱۳۹۸)، به موضوع بررسی تأثیر راهبردهای تأمین مالی شرکت‌های نوپای مبتنی بر فن‌آوری‌های نوین بر موقعیت ژئواکونومیکی ایران پرداختند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که عامل‌های مربوط به نقش دولت و هوش تجاری بر موقعیت ژئواکونومیکی ایران تأثیرگذار است؛ اما عامل‌های خلاقیت و نوآوری و سرمایه اجتماعی، تأثیر معناداری بر آن ندارند. همچنین نتایج ضریب همبستگی متغیرهای مدل مقدار (۶۳/۳۰)، درصد را نشان می‌دهد. این نتایج، بیانگر درجه اهمیت هر کدام از عوامل تأثیرگذار در تعیین راهبرد تأمین مالی شرکت‌های نوپای ایران را نشان می‌دهد. به طوری که می‌تواند راهنمای عمل نسبتاً مناسبی برای شرکت‌های نوپای مبتنی بر فن‌آوری‌های نوین در خصوص برآورده نمودن نیازهای مالی آن‌ها باشد.

نایچ حقیقی و همکاران (۱۳۹۸)، به موضوع بررسی تأثیر تحریم‌های غرب بر راهبردهای تأمین مالی شرکت‌های نوپای مبتنی بر فن‌آوری‌های نوین در ایران پرداختند. به‌طور کلی، یافته‌های پژوهش حاضر در سطح اطمینان ۹۵ درصد نشان داد که متغیرهای درون شرکتی با در نظر گرفتن نقش متغیرهای میانجی بر روش‌های تأمین مالی سنتی و نوین تأثیری معناداری دارند؛ همچنین متغیرهای برون شرکتی نیز از طریق متغیرهای میانجی بر روش‌های تأمین مالی سنتی و روش تأمین مالی نوین در سطح معنی‌داری بدست آمده تأثیری معناداری دارند. این نتایج، به نوبه خود اهمیت عوامل درون شرکتی و برون شرکتی را در تعیین راهبرد تأمین مالی شرکت‌های نوپا در ایران را نشان می‌دهد.

چیت‌سازان و همکاران (۱۳۹۶)، به موضوع ناسایی و اولویت‌بندی رایج‌ترین روش‌های تأمین مالی خودراه‌انداز در کسب و کارهای نوپای حوزه فناوری اطلاعات (IT) پرداختند. یافته‌ها بیانگر این پژوهش آن است که خوشه تأمین مالی شخصی صاحب شغل به عنوان رایج‌ترین شیوه تأمین مالی خود راه‌انداز شناسایی شد و بعد از آن به ترتیب خوشه‌های پرداخت‌های تأخیری، خوشه توقف حساب‌های دریافتی، خوشه حداقل کردن هزینه‌های سرمایه‌گذاری و در نهایت خوشه اشتراک منابع به ترتیب در رده‌های دوم تا پنجم قرار گرفتند.

کریمی و بوذرجمهری (۱۳۹۲)، به موضوع تحلیل سازوکارهای تأمین مالی کسب‌وکارهای کوچک و متوسط پرداختند. در این پژوهش داده‌ها با استفاده از پرسشنامه محقق‌ساخته گردآوری شدند و با نرم‌افزار (SPSS) نسخه ۱۸ و همچنین نرم‌افزار

¹.Manigart, Struyf

(LISREL) نسخه ۸/۵ تجزیه و تحلیل شدند. روایی پرسشنامه با پانل متخصصان بررسی و کسب شد و برای تعیین میزان پایایی از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد (۰/۹۲). نتایج حاصل از رتبه‌بندی سازوکارهای تأمین مالی در شرکت‌های تعاونی تولید کشاورزی نشان داد که اعطای تسهیلات مالی با نرخ بهره پایین در بالاترین رتبه قرار دارد. همچنین نتایج نشان داد که این سازوکارها از شش عامل تسهیلاتی، پشتیبانی، مشاوره‌ای-آموزشی، ارتباطی-مشارکتی، فنی-تخصصی و قوانین و مقررات تشکیل می‌شود که در مجموع، حدود ۶۳/۱۹ درصد از کل واریانس را تبیین کردند.

سلطانی و همکاران (۱۳۹۲)، به موضوع بررسی روش‌های تأمین مالی بر ارزش شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. در این پژوهش برای جمع‌آوری اطلاعات از روش‌های کتابخانه‌ای (کتب و نشریات و مقالات حرفه‌ای و تخصصی) و برای جمع‌آوری اطلاعات مالی برای آزمون فرضیه‌ها از صورت‌های مالی حسابرسی شده (۴۳ شرکت دارای افزایش سرمایه و تعداد ۳۲ شرکت دارای وام، تعداد کل شرکت‌های مورد بررسی ۷۵ شرکت می‌باشند) بین سال‌های ۱۳۸۹ الی ۱۳۹۱ موجود در نرم افزار ره‌آورد و آزمون‌های آماری مناسب شامل آزمون مقایسه میانگین دو جامعه ضریب همبستگی پیرسون و آزمون رگرسیون خطی و با کمک نرم افزار (SPSS) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است به طور کلی یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که شرکت‌هایی که از افزایش سرمایه استفاده نموده‌اند، بر بازده واقعی سهام شرکت‌ها تاثیر مثبت ندارد ولی شرکت‌هایی که از وام استفاده نموده‌اند، بر بازده واقعی سهام شرکت‌ها تاثیر مثبت دارند.

آقاجانی عباسقلی پور و فهیمی راد (۱۳۹۲)، به موضوع تبیین روش‌های تأمین مالی کارآفرینانه مطالعه موردی: تعاونگران استان مازندران پرداختند. آنها برای جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز با استفاده از پرسشنامه‌ای با اجزاء استاندارد و ضریب پایایی ۰/۷۹، به آزمون فرضیات چهارگانه پرداخته‌اند. یافته‌های آنها نشان داد که تمامی چهار روش تأمین مالی هر کدام با شدت و ضعف خاص خود مورد توجه کارآفرینان بوده‌اند. از این نظر، روش سرمایه شخصی در اولویت اول و روش‌های استقراض، سهام و منابع داخلی در اولویت‌های بعدی بوده‌اند. به علاوه اینکه کارآفرینان مورد مطالعه، در مجموع آگاهی‌های کمتری از روش‌های مختلف و متنوع تأمین مالی دارند و تنها روش‌هایی را مورد توجه و تدقیق قرار داده‌اند که در جامعه امروزین ما رایج و مصطلح بوده و همه به صورت عام مورد استفاده قرار می‌دهند. در پایان نتیجه‌گیری شده که لازم است نوآوری‌هایی در این زمینه انجام شود و به دیگر روش‌های متنوع تأمین مالی نیز توجه شود. محمودی عالمی و اسمعیلی عالمی (۱۳۸۸) به موضوع بررسی روش‌های تأمین مالی در طرح‌های کارآفرینانه بخش تعاون استان مازندران پرداختند و نتایج آنها نشان داد که به‌کارگیری روش‌های تأمین مالی داخلی و تأمین مالی از محل انتشار سهام سرمایه (حقوق صاحبان سهام) به طور مطلوب به کارگرفته نمی‌شوند. ولی روش‌های تأمین مالی شخصی (خصوصی) و بدهی (استقراض) در طرح‌های کارآفرینانه بخش تعاون استان مازندران به طور بهینه استفاده شده است. از این رو، آنها نتیجه گرفتند که تسهیل راهکارهای دریافت منابع مالی از طریق بدهی سبب تقویت منابع مالی کارآفرینان و گسترش طرح‌های کارآفرینی خواهد شد. همچنین، با توجه به این که منبع اصلی اعطای تسهیلات، نظام بانکی است، کاهش نرخ بهره، سبب ایجاد تعهد و ریسک کمتر برای مدیران و تقویت انگیزه برای کارآفرینی خواهد شد.

توسعه فرضیه و معرفی متغیرهای تحقیق

در این قسمت سعی به توسعه فرضیه و معرفی متغیرهای پژوهش پرداخته شده است. لذا، مطابق با آنچه که در قسمت مبانی نظری پژوهش حاضر بیان شد، متغیرهای مورد مطالعه در این پژوهش نیز در برگیرنده خصوصیات (ویژگی‌های) دانشگاه کارآفرینی بوده که شامل ۶ بعد (تأمین مالی مشاغل کارآفرینانه دریایی، عوامل محیطی، منابع مالی و غیرمالی، ایده‌ها و طرح و برنامه‌ها، ساختار سازمانی فرایند سازمانی آموزش دانشگاه و جمعیت شناختی) به عنوان ابعاد اصلی مدل به همراه زیر مولفه‌های هر کدام بوده که از طریق مبانی نظری مشخص و استخراج شده و در پژوهش‌های پیشین هم به عنوان عوامل مؤثر به اعتبار و روایی لازم آنها استنادات لازم انجام شده است. به ویژه اینکه به منظور پاسخگویی به اهداف تعیین شده، رابطه بین این متغیرها مورد بررسی قرار گرفته است. برای این منظور، فرضیات بیانگر روابط آماری مورد انتظار بین این عوامل بوده که براساس مبانی نظری و پژوهش‌های پیشین تدوین شده است. البته بیان جزئیات و نحوه تعریف مفهومی و تعریف عملیاتی به

همراه عناصر هر کدام از آن‌ها با استفاده ابزار تهیه شده (پرسشنامه محقق ساخته) برای اندازه‌گیری و ارزیابی آنها انجام شده است. بنابراین، در ادامه به تفصیل براساس مبانی نظری پژوهش که در قسمت بالا به آنها اشاره گردید فرضیه‌های پژوهش را به شرح زیر ارائه نمود. به طوری که فرضیه‌های ارائه شده براساس مبانی نظری مربوط به توسعه دانشگاه کارآفرینی از پشتوانه علمی و پژوهشی مناسبی برخوردار می‌باشد.

فرضیه اول: عوامل محیطی با توسعه تأمین مالی مشاغل کارآفرینانه شرکت‌های نوپای حوزه گردشگری دریایی در فرایند بخش آموزش عالی دانشگاه ارتباط معناداری دارد.

فرضیه دوم: در دسترس بودن منابع مالی با توسعه تأمین مالی مشاغل کارآفرینانه شرکت‌های نوپای حوزه گردشگری دریایی در فرایند بخش آموزش عالی دانشگاه ارتباط معناداری دارد.

فرضیه سوم: در دسترس بودن منابع غیرمالی با توسعه تأمین مالی مشاغل کارآفرینانه شرکت‌های نوپای حوزه گردشگری دریایی در فرایند بخش آموزش عالی دانشگاه ارتباط معناداری دارد.

فرضیه چهارم: ایده‌ها و طرح و برنامه‌های گوناگون با توسعه تأمین مالی مشاغل کارآفرینانه شرکت‌های نوپای حوزه گردشگری دریایی در فرایند بخش آموزش عالی دانشگاه ارتباط معناداری دارد.

فرضیه پنجم: ساختار سازمانی دانشگاه با توسعه تأمین مالی مشاغل کارآفرینانه شرکت‌های نوپای حوزه گردشگری دریایی در فرایند بخش آموزش عالی دانشگاه ارتباط معناداری دارد.

فرضیه ششم: فرایند سازمانی آموزش دانشگاه با توسعه تأمین مالی مشاغل کارآفرینانه شرکت‌های نوپای حوزه گردشگری دریایی در فرایند بخش آموزش عالی دانشگاه ارتباط معناداری دارد.

فرضیه هفتم: جمعیت شناختی با توسعه تأمین مالی مشاغل کارآفرینانه شرکت‌های نوپای حوزه گردشگری دریایی در فرایند بخش آموزش عالی دانشگاه ارتباط معناداری دارد.

جدول (۱) تعریف نحوه محاسبه عملیاتی متغیرهای تحقیق

منبع استخراج متغیر	شیوه‌اندازه‌گیری متغیر	تعریف متغیر در مدل مفهومی		نوع متغیر	ردیف
		مکنون	غیرمکنون		
دیکینز و فریل، ۲۰۰۳؛ کاتان و کریس، ۲۰۱۳؛ بزانا و همکاران، ۲۰۲۰؛ یافته‌های پژوهشگران، ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹)	پرسشنامه	توسعه تأمین مالی مشاغل کارآفرینانه دریایی (روش تأمین مالی)	استقراض (وام) از محل اوراق مشارکت	وابسته	۱
	پرسشنامه		بودجه دولتی		
	پرسشنامه		صندوق‌های سرمایه‌گذاری		
	پرسشنامه		مخاطره‌پذیر		
	پرسشنامه		بورس اوراق بهادار (بازار سرمایه)		
	پرسشنامه		بانک‌ها و مؤسسات مالی		
	پرسشنامه		کمک‌های مالی فرشتگان کسب		
(بزانا و همکاران، ۲۰۲۰)	پرسشنامه	عوامل زمینه ساز محیطی (بسترهای محیطی)	زمینه های قانونی	مستقل	۲
(بزانا و همکاران، ۲۰۲۰)	پرسشنامه		زمینه های سازمانی و کسب و کار		
(بزانا و همکاران، ۲۰۲۰)	پرسشنامه	منابع مالی و غیر مالی	ظرفیت منابع مالی (بودجه)	مستقل	۳
(بزانا و همکاران، ۲۰۲۰)	پرسشنامه		ظرفیت منابع انسانی (کارکنان)		
(بزانا و همکاران، ۲۰۲۰)	پرسشنامه		ظرفیت به کارگیری متخصصان (خبرگان)		
(بزانا و همکاران، ۲۰۲۰)	پرسشنامه	ایده‌ها و طرح و برنامه‌های	بیان مأموریت و راهبردهای محوری	مستقل	۳
(بزانا و همکاران، ۲۰۲۰)	پرسشنامه		سیاست‌ها و خط‌مشی		

منبع استخراج متغیر	شیوه اندازه‌گیری متغیر	تعریف متغیر در مدل مفهومی		نوع متغیر	ردیف
		غیرمکنون	مکنون		
(بزانلا و همکاران، ۲۰۲۰)	پرسشنامه	رویه‌ها و فرایندها	گوناگون		
(بزانلا و همکاران، ۲۰۲۰)	پرسشنامه	اظهارات و گفتارهای مدیریت	ساختار	مستقل	۴
(بزانلا و همکاران، ۲۰۲۰)	پرسشنامه	طراحی سازمانی دانشگاه	سازمانی دانشگاه		
(بزانلا و همکاران، ۲۰۲۰)	پرسشنامه	آموزش و پژوهش	فرایند سازمانی آموزش دانشگاه	مستقل	۵
(بزانلا و همکاران، ۲۰۲۰)	پرسشنامه	آموزش فوق برنامه برنامه درسی			
(بزانلا و همکاران، ۲۰۲۰)	پرسشنامه	انتخاب روش‌شناسی فعالیت به شیوه برون مرزی (بین‌المللی)			
(بزانلا و همکاران، ۲۰۲۰)	پرسشنامه	جنسیت	جمعیت شناختی	عوامل میانجی	۶
(بزانلا و همکاران، ۲۰۲۰)	پرسشنامه	سطح تحصیلات			
(بزانلا و همکاران، ۲۰۲۰)	پرسشنامه	رشته تحصیلی			
(بزانلا و همکاران، ۲۰۲۰)	پرسشنامه	تجربه و مهارت شغلی (نوع تجربه)			
(بزانلا و همکاران، ۲۰۲۰)	پرسشنامه	سابقه فعالیت (تعداد سال فعالیت)			



شکل (۱) ساختار مفهومی تحقیق
منبع: (اقتباسی از بزائلا و همکاران، ۲۰۲۰)

روش شناسی تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش تحقیق توصیفی- پیمایشی و از نوع همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش شامل، خبرگان، مدیران مالی و مدیران ارشد و کارشناسان و فعالان حوزه کارآفرینی در ایران بوده که جهت انتخاب

حجم نمونه آماری مناسب نیز از روش نمونه‌گیری تصادفی و با استفاده از جدول کرجسی و مورگان ۳۸۴ نفر انتخاب گردید. روش جمع‌آوری داده‌ها نیز میدانی و کتابخانه‌ای و ابزار آن پرسشنامه‌های نیمه استاندارد می‌باشد. گردآوری اطلاعات هم با توزیع پرسشنامه در بین مشارکت‌کنندگان در این پژوهش انجام شده است. البته، پرسشنامه شامل دو بخش عمومی و تخصصی می‌باشد. بخش عمومی به ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مانند جنسیت، سن و میزان تحصیلات نمونه آماری و در بخش تخصصی به سنجش متغیرهای تحقیق پرداخته شده است. هر یک از پرسشنامه‌ها با طیف لیکرت پنج گزینه‌ای (کاملاً مخالفم=۱ تا کاملاً موافقم=۵) کد گذاری شدند. همچنین، برای تعیین روایی محتوایی، پرسشنامه‌ها به تأیید تعدادی از اساتید مجرب در زمینه موضوع پژوهش حاضر و روش تحقیق جهت بررسی محتوایی ارائه گردید که با بررسی و تغییرات انجام شده کلیه آن‌ها سؤالات تنظیم شده را مورد تأیید قرار دادند و از این طریق روایی محتوایی پرسشنامه‌ها مورد تأیید واقع شده است. علاوه بر این، روایی محتوایی پرسشنامه‌ها توسط اساتید و روایی سازه توسط تحلیل عاملی تأیید شد. پایایی پرسشنامه‌ها نیز با استفاده از آلفای کرونباخ مورد تأیید قرار گرفت. برای تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش، از روش آمار توصیفی و آمار استنباطی استفاده شده است. برای انجام تحلیل عاملی از نرم‌افزار (SPSS) و برای آزمون فرضیات تحقیق از روش معادلات ساختاری از نرم‌افزار (Lisrel) استفاده شده است. علاوه بر این، در روش دوم در راستای تعیین سنجش روایی از روش روایی سازه، یعنی برای تعیین روایی پرسشنامه‌ها از روش تحلیل عاملی به عنوان یکی از روش‌های روایی سازه استفاده گردید. جهت بررسی روایی پرسشنامه‌ها بعد از تأیید اساتید و صاحب نظران امر، از روش تحلیل عاملی تأییدی به علت استاندارد بودن پرسشنامه‌ها و شاخص کفایت نمونه‌گیری کایزر، مایر و اولکین (KMO) استفاده شد. شاخص شاخص کفایت نمونه‌گیری کایزر، مایر و اولکین (KMO) برای متغیرهای تحقیق بالای (۰/۷۰) می‌باشد. در این تحقیق با استفاده از روش آلفای کرونباخ پایایی پرسشنامه‌ها مورد بررسی قرار گرفت. جهت تعیین پایایی پرسشنامه‌ها، ابتدا ۳۰ عدد پرسشنامه بین نمونه آماری توزیع و سپس جمع‌آوری گردید، در مرحله بعد داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از نرم افزار (SPSS) نسخه ۲۳ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. ضریب آلفای کرونباخ برای پرسشنامه‌ها برآورد شده و در جدول (۲) نشان داده شده است.

جدول (۲) ضریب پایایی سؤالات پرسشنامه تحقیق

میزان پایایی	مقدار ضریب آلفای کرونباخ	تعداد گویه	تعریف متغیر در مدل مفهومی		نوع متغیر	ردیف
			غیرمکنون	مکنون		
مطلوب	۰/۸۸۶	۲	استقراض (وام) از محل اوراق مشارکت	تأمین مالی مشاغل کارآفرینانه دریایی (روش تأمین مالی)	وابسته	۱
مطلوب	۰/۸۸۶	۴	بودجه دولتی			
مطلوب	۰/۸۸۵	۳	صندوق‌های سرمایه گذاری			
مطلوب	۰/۸۸۷	۲	مخاطره‌پذیر			
مطلوب	۰/۸۸۷	۵	بورس اوراق بهادار (بازار سرمایه)			
مطلوب	۰/۷۶۲	۵	بانک‌ها و مؤسسات مالی			
مطلوب	۰/۸۸۷	۴	کمک‌های مالی فرشتگان کسب			
مطلوب	۰/۸۷۹	۴	زمینه های قانونی	عوامل زمینه ساز محیطی (بسترهای محیطی)	مستقل	۲
مطلوب	۰/۸۷۹	۴	زمینه های سازمانی و کسب و کار			
مطلوب	۰/۸۵۴	۵	ظرفیت منابع مالی (بودجه)	منابع مالی و غیر مالی	مستقل	۳
مطلوب	۰/۸۶۲	۵	ظرفیت منابع انسانی (کارکنان)			
مطلوب	۰/۸۷۹	۳	ظرفیت به کارگیری متخصصان (خبرگان)			
مطلوب	۰/۸۷۹	۴	بیان مأموریت و راهبردهای محوری	ایده‌ها و طرح و برنامه‌های گوناگون	مستقل	۳
مطلوب	۰/۸۸۰	۵	سیاست‌ها و خط‌مشی			

ردیف	نوع متغیر	تعریف متغیر در مدل مفهومی		تعداد گویه	مقدار ضریب آلفای کرونباخ	میزان پایایی
		مکنون	غیرمکنون			
			رویه‌ها و فرایندها	۵	۰/۸۷۸	مطلوب
۴	مستقل	ساختار سازمانی دانشگاه	اظهارات و گفتارهای مدیریت	۳	۰/۸۸۲	مطلوب
			طراحی سازمانی دانشگاه	۲	۰/۸۸۲	مطلوب
۵	مستقل	فرایند سازمانی آموزش دانشگاه	آموزش و پژوهش	۳	۰/۸۸۲	مطلوب
			آموزش فوق برنامه برنامه درسی	۵	۰/۷۷۴	مطلوب
			انتخاب روش‌شناسی فعالیت به شیوه برون مرزی (بین المللی)	۴	۰/۸۸۳	مطلوب
۶	عوامل میانجی	جمعیت شناختی	جنسیت	۲	۰/۸۸۵	مطلوب
			سطح تحصیلات	۴	۰/۸۸۳	مطلوب
			رشته تحصیلی	۶	۰/۷۸۹	مطلوب
			تجربه و مهارت شغلی (نوع تجربه)	۵	۰/۸۷۱	مطلوب
			سابقه فعالیت (تعداد سال فعالیت)	۵	۰/۷۸۲	مطلوب

منبع: محاسبات پژوهشگران.

با عنایت به این که حداقل ضریب پایایی برای پرسشنامه‌های پژوهشی (۰/۷) می‌باشد، ملاحظه می‌گردد که ضریب آلفای کرونباخ به دست آمده از این مقدار بالاتر است و مناسب می‌باشد. بنابراین می‌توان گفت که پرسشنامه‌های فوق از اعتبار کافی برخوردار می‌باشند. بدین معنی که پاسخ‌های داده شده ناشی از شانس و تصادف نبوده، بلکه به خاطر اثر متغیری می‌باشد که مورد آزمون قرار گرفته است.

یافته‌های تحقیق

در پژوهش حاضر برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های آماری به دو شکل توصیفی و استنباطی استفاده شده است. به طوری که از آمار توصیفی برای تجزیه و تحلیل اطلاعات مربوط به متغیرهای تحقیق شامل جدول توزیع فراوانی، درصد فراوانی، نمودار توزیع فراوانی در سطح توصیف متغیرهای جمعیت شناختی و روش‌های تحلیل توصیفی نظیر میانگین، واریانس و انحراف معیار استفاده شده است؛ و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها برحسب فرضیه‌های پژوهش، جهت انجام آزمون همبستگی و تحلیل عاملی نیز از نرم‌افزار (SPSS) و همچنین برای بررسی و تحلیل فرضیات تحقیق از روش معادلات ساختاری با استفاده از نرم‌افزار مدل‌یابی معادلات ساختاری لیزرل (Lisrel) برای تجزیه و تحلیل همزمان کلیه متغیرهای تحقیق یعنی تحلیل همزمان کلیه متغیرهای مستقل و متغیرهای وابسته استفاده شده است.

یافته‌های توصیفی جمعیت شناختی

شایان ذکر می‌باشد که در این تحقیق با توجه به وسعت جامعه که منجر به صرف هزینه و وقت بسیار و کاهش دقت مطالعه می‌شود و به منظور اطمینان از این که نمونه مورد مطالعه معرف جامعه آماری است و مؤلفه‌های محاسبه شده از اعتبارات لازم برای استنباط آماری و برآورد پارامترهای جامعه برخوردار هستند و از آنجا که انتخاب نمونه با اندازه کافی به منظور جمع‌آوری اطلاعات از اهمیت زیادی برخوردار است، از روش نمونه‌گیری و از جدول کرجسی و مورگان و به شیوه تصادفی ساده انجام شده است. بنابراین، حجم مشاکت‌کنندگان جامعه آماری به تعداد (۳۸۴) نفر، نمونه‌گیری با استفاده از کرجسی و مورگان و به شیوه تصادفی ساده صورت گرفته است. به طور کلی، مشارکت‌کنندگان از میان خبرگان، کارشناسان و خبرگان دانشگاهی در رشته‌های حسابداری، مالی، مدیریت، اقتصاد و فعالان حوزه کارآفرینی، کسب و کارهای نوپا بر اساس معیارهای ذیل انتخاب شدند.

- ۱- کلیدی بودن: در حوزه مالی، کارآفرینی، مدیریت تولید افراد کلیدی و موثری باشند.
- ۲- شناسایی شده توسط سایرین: در حوزه مالی، کارآفرینی، مدیریت تولید مورد تأیید و اشاره خبرگان حوزه بوده اند.
- ۳- فهم نظری موضوع: بر حوزه دانشگاهی و متون تخصصی کارآفرینی تسلط کافی در حوزه مالی، کارآفرینی و مدیریت تولید داشته باشند.
- ۴- تنوع: سابقه حضور در شرکت‌های متنوع و زیرشاخه‌های متفاوت در حوزه مالی، کارآفرینی و مدیریت تولید، داشته باشند.
- ۵- تمایل به همکاری: علاقه و صدق گفتار در این مورد محل توجه بوده است.

در نهایت می‌توان گفت که ویژگی‌های کلیدی جمعیت شناختی مشارکت‌کنندگان در پژوهش می‌باشد (فلینت، ۱۹۹۸). به طور خلاصه در جدول (۳)، خلاصه نتایج مربوط به آماری توصیفی متغیرهای جمعیت شناختی (سن، تحصیلات، سابقه خدمت، رده سازمانی و رشته تحصیلی) مشارکت‌کنندگان در پژوهش حاضر ارائه شده است.

جدول (۳) یافته‌های توصیفی جمعیت شناختی

درصد فراوانی	فراوانی	ویژگی جمعیت شناختی	
۰/۵۷	۲۱۹	مرد	جنسیت
۰/۴۳	۱۶۵	زن	
۱۷	۰/۰۴	کمتر از ۳۵	سن
۱۰۰	۰/۲۶	بین ۳۶ تا ۴۵	
۱۲۲	۰/۳۲	بین ۴۶ تا ۵۵	
۱۴۵	۰/۳۸	بین ۵۶ تا ۶۶	
۰/۲۲	۸۴	کارشناسی	تحصیلات
۰/۴۴	۱۶۸	کارشناسی ارشد	
۰/۳۴	۱۳۲	دکتری و بالاتر	
۰/۰۲	۶	کمتر از ۱۰ سال	سابقه خدمت (فعالیت)
۰/۲۱	۷۹	بین ۱۱ تا ۲۰ سال	
۰/۰۵	۱۹	بین ۲۱ تا ۳۰ سال	
۰/۴۲	۱۶۳	بین ۳۱ تا ۴۰ سال	
۰/۳۱	۱۱۷	بالای ۴۰ سال	
۰/۱۶	۶۲	کارمند (کارکنان)	رده سازمانی
۰/۲۱	۷۹	استادان و خبرگان دانشگاهی	
۰/۲۲	۸۳	کارشناسان	
۰/۱۵	۵۷	سرپرست (عملیاتی)	
۰/۲۳	۸۹	مدیر میانی	
۰/۰۴	۱۴	مدیر ارشد	
۰/۱۱	۴۴	مجموعه مدیریت مالی و بازرگانی	رشته تحصیلی
۰/۴۳	۱۶۶	مجموعه اقتصاد و کارآفرینی	
۰/۲۰	۷۸	مجموعه فنی و مهندسی	
۰/۲۵	۹۶	سایر	

در جدول شماره (۳)، مشاهده می‌شود که از نظر جنسیت فراوانی جمعیت مشارکت‌کنندگان از تعداد (۳۸۴)، نفر پاسخ‌گو حدوداً ۵۷٪ درصد یعنی (۲۱۹) نفر از پاسخ‌گویان مرد هستند و ۴۳٪ درصد یعنی (۱۶۵)، نفر از پاسخ‌گویان نیز از جنسیت زن می‌باشند. از نظر توزیع سنی نیز سن بیشترین فراوانی مطلق سن پاسخ‌گویان مربوط به گروه سنی ۵۶ تا ۶۶ سال و کمترین فراوانی مطلق مربوط به گروه سنی زیر ۲۵ سال می‌باشند. همچنین بیشترین فراوانی مطلق میزان تحصیلات پاسخ‌گویان مربوط به گروه و یا مقطع تحصیلی کارشناسی ارشد (۱۶۸ نفر و ۴۴ درصد) و کمترین فراوانی مطلق مربوط به مقطع تحصیلی کارشناسی (۸۴ نفر و ۲۲٪ درصد) می‌باشند. علاوه بر این، براساس توزیع فراوانی میزان سابقه فعالیت تخصصی پاسخ‌گویان بیشترین فراوانی مطلق مربوط به گروه با سابقه فعالیت بین ۳۱ تا ۴۰ سال (۱۶۳ نفر و ۴۲٪ درصد) و کمترین فراوانی مطلق مربوط به گروه با سابقه فعالیت بالای کمتر از ۱۰ سال می‌باشند. در جدول مشخص است که بیشترین فراوانی مطلق مربوط به نوع سمت پاسخ‌گویان مربوط به پاسخ‌گویان در گروه با سابقه فعالیت در حوزه مدیریت عمومی (میانی) یعنی ۸۹ نفر و ۲۳٪ درصد بوده و کمترین فراوانی مطلق مربوط به گروه کاری سرپرستی (عملیاتی) یعنی ۵۷ نفر و ۱۵٪ درصد می‌باشند. علاوه بر این، در جدول فوق ملاحظه می‌شود که بیشترین فراوانی مطلق مربوط به مرسته تحصیلی پاسخ‌گویان مربوط به پاسخ‌گویان در گروه مجموعه اقتصاد و کارآفرینی به تعداد ۱۶۶ نفر و ۴۳٪ درصد و اما کمترین فراوانی مطلق مربوط به گروه مجموعه مدیریت مالی و بازرگانی یعنی به تعداد ۴۴ نفر و ۱۱٪ درصد می‌باشند.

جدول (۴) معرفی ویژگی‌های نمونه آماری تحقیق

ردیف	شرح ویژگی‌های جامعه آماری تحقیق	انتخاب نمونه آماری نهایی (نفر)	تعیین نسبت جامعه آماری (درصد)
	استادان و خبرگان دانشگاهی حوزه مالی و بازرگانی	۷۹	۰/۲۱
۱	کارکنان و کارشناسان حوزه کارآفرینی	۱۴۵	۳۸٪
۲	مدیران عملیاتی	۵۷	۰/۱۵
۳	مدیران میانی	۸۹	۰/۲۲
۴	مدیران ارشد	۱۴	۰/۰۴

همان‌طور که در جدول (۴)، ملاحظه می‌شود، در این پژوهش نمونه آماری نهایی پژوهش به تعداد (۳۸۴)، نفر براساس شرح ویژگی‌های جامعه آماری پژوهش، تعداد افراد جامعه آماری، نوع جامعه آماری، نسبت جامعه آماری و نمونه آماری طبق جدول کرجسی و مورگان (۱۹۷۰)، تعیین شده است. البته، در این پژوهش برای گردآوری داده‌های پرسشنامه، ابتدا براساس مطالعه مبانی نظری و ساختار عملیاتی فرایند حوزه مالی و کارآفرینی و مدیریت تولید و بر پایه مصاحبه با کارکنان و کارشناسان حوزه مدیریت کارآفرینی، همچنین براساس مشاهده مستندات و رویدادهای واقعی بخش مورد بررسی گویه‌های قابل بررسی و ارزیابی در خصوص عوامل مؤثر بر تأمین مالی مشاغل کارآفرینانه دریایی در فرایند بخش آموزش عالی دانشگاه با تأکید بر شرکت‌های نوپای مبتنی تولیدات و گردشگری آبی به شرح جدول (۶) شناسایی و تعیین شده که خلاصه نتایج آماره‌های توصیفی آن نیز ارائه شده است.

جدول (۵) آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

نوع متغیر	تعریف متغیر در مدل مفهومی		تعداد مشاهد	نماد متغیر	میانگین	انحراف معیار	واریانس	چولگی	کشیده گی
	مکنون	غیرمکنون							
وابسته	تأمین مالی	استقراض (اوراق مشارکت/ وام)	۳۸۴	FMEJ (1)	۶.۵۴	۲/۰۲۸	۴/۱۱۳	-/۴۱۹	-/۹۰۶

کشیدگی	چولگی	واریاس	انحراف معیار	میانگین	نماد متغیر	تعداد مشاهد	تعریف متغیر در مدل مفهومی		نوع متغیر
							مکنون	غیرمکنون	
-/۷۷۴	-/۵۱۹	۴/۰۱۰	۲/۰۰۲	۶/۶۹	FMEJ (2)	۳۸۴	مشاغل کارآفرینانه دریایی	بودجه دولتی	مستقل
۱/۳۰۰	-۱/۲۰۷	۳/۵۴۷	۱/۸۸۳	۶/۳۶	FMEJ (3)	۳۸۴	صندوق‌های سرمایه‌گذاری		
۳۳۹/	-/۸۳۶	۴/۴۰۶	۲/۰۹۹	۶/۵۸	FMEJ (4)	۳۸۴	مخاطره‌پذیر		
-/۲۳۷	-/۶۷۷	۵/۲۸۳	۲/۲۹۸	۶/۲۹	FMEJ (5)	۳۸۴	بورس اوراق بهادار (بازار سرمایه)		
-/۱۲۵	-/۶۲۲	۳/۹۱۸	۱/۹۷۹	۶/۲۲	FMEJ (6)	۳۸۴	بانک‌ها و مؤسسات مالی		
-/۶۹۶	-/۴۶۹	۴/۹۱۳	۲/۲۱۶	۶/۲۸	FMEJ (7)	۳۸۴	کمک‌های مالی فرشتگان کسب		
-/۵۳۳	-/۵۳۳	۴/۵۰۳	۲/۱۲۲	۶/۲۲	FEC (1)	۳۸۴	عوامل محیطی	زمینه‌های قانونی	مستقل
-/۱۶۳	-/۷۱۱	۴/۰۵۶	۲/۰۱۴	۶/۱۳	FEC (1)	۳۸۴	زمینه‌های سازمانی کسب‌وکار		
۳۶۶/	-/۷۹۲	۳/۵۱۲	۱/۸۷۴	۶/۹۱	FNFR (1)	۳۸۴	منابع مالی و غیرمالی	ظرفیت منابع مالی (بودجه)	مستقل
۰/۸۹۷	-۰/۸۸۳	۲/۹۵۳	۱/۷۱۸	۶/۸۹	FNFR (2)	۳۸۴	ظرفیت منابع انسانی (کارکنان)		
۱/۰۳۱	-۱/۰۶۷	۳/۲۳۲	۱/۷۹۸	۶/۸۱	FNFR (3)	۳۸۴	ظرفیت به‌کارگیری خبرگان		
-/۱۶۰	-/۴۲۷	۴/۱۲۵	۲/۰۳۱	۶/۵۱	IDP(1)	۳۸۴	ایده‌ها و طرح و برنامه‌ها	مأموریت و راهبردهای محوری	مستقل
۰/۱۸۷	-/۶۸۶	۳/۶۱۸	۱/۹۰۲	۶/۷۲	IDP(2)	۳۸۴	سیاست‌ها و خط‌مشی		
۰/۶۱۸	-/۶۸۸	۲/۸۴۶	۱/۶۸۷	۶/۷۶	IDP(3)	۳۸۴	رویه‌ها و فرایندها		
-/۴۷۹	-/۷۹۳	۴/۵۶۷	۲/۱۳۷	۷/۰۸	SO(1)	۳۸۴	ساختار سازمانی	اظهارات و گفتارهای مدیریت	مستقل
-/۰۰۱	-/۷۱۳	۳/۵۶۶	۱/۸۸۹	۶/۹۳	SO(2)	۳۸۴	طراحی سازمانی دانشگاه		
-/۳۳۹	-/۷۱۵	۳/۴۹۱	۱/۸۶۸	۷/۲۹	TPOU(1)	۳۸۴	فرایند سازمانی دانشگاه	آموزش و پژوهش	مستقل
۲۲۵/	-/۷۵۶	۳/۰۷۴	۱/۷۵۳	۷/۱۷	TPOU(2)	۳۸۴	آموزش فوق برنامه برنامه درسی		
۰/۸۷۶	-/۹۲۸	۳/۰۱۳	۱/۷۳۶	۷/۱۶	TPOU(3)	۳۸۴	فعالیت به‌شیوه برون‌مرزی		
۰/۳۴۵	-/۸۰۵	۳/۴۰۱	۱/۸۴۴	۷/۰۶	FS (1)	۳۸۴	عوامل میانجی	جنسیت	مستقل
۰/۱۳۷	-/۵۶۱	۳/۱۸۳	۱/۷۸۴	۶/۸۵	FEL (2)	۳۸۴	جمعیت شناختی	سطح تحصیلات	
-/۱۰۴	-/۶۱۳	۳/۳۶۳	۱/۸۳۴	۷/۱۹	FFE (3)	۳۸۴	رشته تحصیلی		
-/۶۸۶	-/۳۶۰	۴/۲۶۱	۲/۰۶۴	۶/۲۵	FEJ (4)	۳۸۴	تجربه و مهارت شغلی		
-/۷۹۱	-/۳۶۰	۴/۱۵۷	۲/۰۳۹	۶/۴۳	FYE (5)	۳۸۴	سابقه فعالیت (سال فعالیت)		

منبع: محاسبات پژوهشگران.

با توجه به جدول (۵) برای متغیر وابسته تأمین مالی مشاغل کارآفرینانه دریایی از محل روش‌های گوناگون تأمین مالی نظیر استقراض (وام) از محل اوراق مشارکت، بودجه دولتی، صندوق‌های سرمایه‌گذاری مخاطره پذیر، بورس اوراق بهادار (بازار سرمایه)، بانک‌ها و مؤسسات مالی و کمک‌های مالی فرشتگان کسب میانگین آن‌ها به ترتیب برابر: ۶/۵۴، ۶/۶۹، ۶/۳۶، ۶/۵۸، ۶/۲۹، ۶/۲۲، ۶/۲۸ و کم‌ترین مقدار پاسخ در بین پاسخ‌های ارایه شده برابر با مقدار عدد ۱ و بیشترین مقدار هم برابر عدد ۹ می‌باشد. بیشترین انحراف معیار پاسخ در بین پاسخ‌های ارایه شده مربوط به متغیر بورس اوراق بهادار (بازار سرمایه) بوده که برابر با ۲/۲۹۸ و کمترین انحراف معیار هم مربوط به متغیر ظرفیت منابع انسانی (کارکنان) بوده که برابر ۶/۸۹ می‌باشد. برای متغیرهای عوامل محیطی میانگین متغیر زمینه‌های قانونی بیشترین میانگین متعلق به زمینه‌های قانونی بوده که بالغ بر ۶/۲۲ و کمترین مقدار هم متعلق به زمینه‌های سازمانی کسب و کار بوده که مقدار آن نیز برابر ۶/۱۳ می‌باشد. علاوه بر این، می‌توان خلاصه نتایج امر توصیفی را در جدول (۵) مشاهده نمود.

تحلیل عاملی

در این پژوهش برای انجام تحلیل عاملی، ابتدا اطمینان نسبت به قابل استفاده بودن داده‌های پژوهش برای تجزیه و تحلیل و تخمین مدل انجام می‌شود. از این‌رو، در ابتدا به بررسی مناسب بودن داده‌ها برای تحلیل عاملی پرداخته شده است. روش‌های مختلفی برای این کار وجود دارد که از جمله آن‌ها می‌توان به محاسبه مقدار شاخص کفایت نمونه‌گیری کایزر، مایر و اولکین (KMO) اشاره کرد که مقدار آن همواره بین ۰ تا ۱ در نوسان است. در صورتی که مقدار شاخص کفایت نمونه‌گیری کایزر، مایر و اولکین (KMO) کمتر از ۰/۵ باشد، داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسب نخواهد بود و اگر مقدار آن بین ۰/۵۰ تا ۰/۶۹ باشد، می‌توان با احتیاط بیشتر به تحلیل عاملی پرداخت، ولی در صورتی که مقدار آن بزرگ‌تر از ۰/۷۰ باشد، همبستگی‌های موجود در بین داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسب خواهد بود. از سوی دیگر برای اطمینان از مناسب بودن داده‌ها مبنی بر اینکه ماتریس همبستگی‌هایی که پایه تحلیل قرار می‌گیرد، در جامعه برابر با صفر نیست، از آزمون بارتلت استفاده شده است. به عبارت دیگر با استفاده از آزمون بارتلت می‌توان از کفایت نمونه‌گیری اطمینان حاصل کرد. نتایج حاصل که در جدول شماره (۶) نشان داده شده است، نشانگر مناسب بودن همبستگی‌های موجود بین داده‌ها برای تحلیل عاملی و کفایت نمونه‌گیری است، از این‌رو می‌توان به تحلیل عاملی اقدام کرد.

جدول (۶) آزمون کفایت نمونه‌گیری کایزر-میر-اولکین (KMO) و بارتلت^۱

مقدار آماره به دست آمده در آزمون	شرح آزمون	
۰/۸۹۶	آزمون کفایت نمونه	
۲/۹۴۰	تقریب مقدار آماره کای - مربع ^۲	آزمون بارتلت ^۲
۳۱۶۰	درجه آزادی (Df)	
۰/۰۰۰	سطح معناداری (Sig)	

منبع: محاسبات پژوهشگران.

با توجه به نتایج مندرج در جدول (۶)، مشاهده می‌شود که عدد حاصل از آزمون کفایت نمونه‌گیری کایزر-میر-اولکین (KMO) و بارتلت (بزرگ‌تر از ۰/۷) و عدد معناداری آزمون بارتلت نیز کمتر از ۵ درصد می‌توان گفت که داده‌ها برای اجرای تحلیل عاملی مناسب است و از شرایط مورد نیاز برخوردار است. بنابراین، در این بخش جهت آزمون و تأیید روایی زیر مؤلفه‌های ابعاد اصلی پرسشنامه از تحلیل عاملی تأییدی استفاده گردید. از این‌رو، نتایج حاصل از روش تحلیل عاملی تأییدی مرتبه اول در دو حالت ضرایب استاندارد و اعداد معناداری به منظور بررسی معناداری ضرایب حاصل استفاده شده است. به این

^۱ Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling Adequacy.

^۲ Bartlett's Test of Sphericity

^۳ Approx. Chi-Square

صورت که اگر قدر مطلق عدد معناداری بزرگتر از ۱/۹۶ باشد، نشان‌دهنده معناداری مسیر مربوطه در مدل است. بنابراین با توجه به مقادیر معناداری به‌دست‌آمده در این بخش نتیجه می‌شود که تمامی زیر مؤلفه‌های ابعاد اصلی مدل معنادار هستند.

جدول (۷) نتایج حاصل از انجام تحلیل عاملی اکتشافی

ردیف	نوع متغیر	تعریف متغیر در مدل مفهومی		تعداد گویه	ضرایب مدل	
		مکنون	غیرمکنون		مقدار بار عاملی	واریانس تبیین شده
۱	وابسته	تأمین مالی مشاغل کارآفرینانه دریایی (روش تأمین مالی)	استقراض (وام) از محل اوراق مشارکت	۲	۰.۸۷۵	۰.۷۸۲
			بودجه دولتی	۴	۰.۷۵۵	
			صندوق‌های سرمایه‌گذاری	۳	۰.۷۵۵	
			مخاطره پذیر	۲	۰.۷۶۶	
			بورس اوراق بهادار (بازار سرمایه)	۵	۰.۷۳۳	
			بانک‌ها و مؤسسات مالی	۵	۰.۷۳۱	
			کمک‌های مالی فرشتگان کسب	۴	۰.۷۳۳	
۲	مستقل	عوامل محیطی	زمینه‌های قانونی	۴	۰.۷۵۴	۰.۷۲۶
			زمینه‌های سازمانی و کسب‌وکار	۴	۰.۸۴۴	
۳	مستقل	منابع مالی و غیرمالی	ظرفیت منابع مالی (بودجه)	۵	۰.۸۴۳	۰.۷۸۲
			ظرفیت منابع انسانی (کارکنان)	۵	۰.۸۵۴	
			ظرفیت به‌کارگیری متخصصان (خبرگان)	۳	۰.۸۶۵	
۳	مستقل	ایده‌ها و طرح و برنامه‌های گوناگون	بیان مأموریت و راهبردهای محوری	۴	۰.۸۹۴	۰.۸۷۴
			سیاست‌ها و خط‌مشی	۵	۰.۸۷۶	
			رویه‌ها و فرایندها	۵	۰.۸۴۵	
۴	مستقل	ساختار سازمانی دانشگاه	اظهارات و گفتارهای مدیریت	۳	۰.۸۸۲	۰.۷۶۶
			طراحی سازمانی دانشگاه	۲	۰.۸۶۴	
۵	مستقل	فرایند سازمانی آموزش دانشگاه	آموزش و پژوهش	۳	۰.۸۰۳	۰.۸۲۹
			آموزش فوق‌برنامه درسی	۵	۰.۷۸۹	
			انتخاب روش‌شناسی فعالیت به شیوه برون‌مرزی (بین‌المللی)	۴	۰.۸۵۳	
۶	عوامل میانجی	جمعیت شناختی	جنسیت	۲	۰.۸۸۷	۰.۸۷۴
			سطح تحصیلات	۴	۰.۷۵۴	
			رشته تحصیلی	۶	۰.۸۲۲	
			تجربه و مهارت شغلی (نوع تجربه)	۵	۰.۷۵۹	
			سابقه فعالیت (تعداد سال فعالیت)	۵	۰.۶۸۷	

نتایج حاصل از انجام تحلیل عاملی اکتشافی در جدول (۷) ارائه شده به‌طور کلی، می‌توان بیان کرد که برای انجام تحلیل عاملی اکتشافی از روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی و چرخش واریماکس استفاده شده که به تعداد ۶ بعد (تأمین مالی مشاغل کارآفرینانه دریایی، عوامل محیطی، منابع مالی و غیرمالی، ایده‌ها و طرح و برنامه‌ها، ساختار سازمانی فرایند سازمانی آموزش دانشگاه و

جمعیت شناختی) به عنوان ابعاد اصلی مدل به همراه زیر مؤلفه‌ها استخراج شده بودند در این بخش مورد بررسی قرار گرفتند. این ۶ بعد به طور کلی ۹۱/۶۶٪ از واریانس کل را تبیین می‌نمایند. معیار انتخاب شاخص، به عنوان یک شاخص برای عوامل، دارا بودن ارزش ویژه بالاتر از یک و همچنین بار عاملی ۰/۷۰ و بالاتر به شرطی که در دیگر عوامل کمتر از این مقدار ظاهر شود بوده است، هر یک از این شاخص‌ها، عوامل مربوطه و میزان بار عاملی آن‌ها در جدول (۷) نمایش داده شده است.

آزمون فرضیات تحقیق

در این قسمت به بررسی آزمون فرضیات تحقیق با استفاده از نرم‌افزار لیزرل پرداخته شده. برای برآورد مدل از روش حداکثر احتمال و به منظور بررسی برازش مدل از شاخص نسبت مجذور خی دو بر درجه آزادی (χ^2/df)، شاخص برازش تطبیقی (CFI)، شاخص برازندگی (GFI)، شاخص تعدیل برازندگی (AGFI)، شاخص نرم شده برازندگی (NFI)، شاخص نرم نشده برازندگی (NNFI)، خطای ریشه میانگین مجذورات تقریب (RMSEA) استفاده شده است.

جدول (۸) نتایج حاصل از بررسی نیکویی برازش مدل مفهومی ساختاری تحقیق

نتیجه	مقدار	دامنه مورد قبول	شاخص برازش
مناسب	۲۰۷۵	<۳	χ^2/df (شاخص نسبت مجذور خی دو بر درجه آزادی)
مناسب	۰.۹۹	>۰.۹	CFI (شاخص برازش تطبیقی)
مناسب	۰.۹۹	>۰.۹	GFI (شاخص برازندگی)
مناسب	۰.۹۹	>۰.۹	AGFI (شاخص تعدیل برازندگی)
مناسب	۰.۹۹	>۰.۹	NFI (شاخص نرم شده برازندگی)
مناسب	۰.۹۹	>۰.۹	NNFI (شاخص نرم نشده برازندگی)
مناسب	۰.۰۷۱	<۰.۰۸	RMSEA (خطای ریشه میانگین مجذورات تقریب)

در جدول (۸)، خلاصه نتایج حاصل از بررسی نیکویی برازش مدل مفهومی ساختاری تحقیق ارائه شده است. لذا، با توجه به اینکه نسبت شاخص کای دو به درجه آزادی کمتر از ۳ و همچنین شاخص RMSEA کمتر از ۰/۰۸ است لذا نشان می‌دهد مدل از تناسب مطلوبی برخوردار است. برای اطمینان از شاخص‌های دیگر همچون مقادیر شاخص نرم شده برازندگی NFI، شاخص نرم نشده برازندگی NNFI، شاخص تناسب فزاینده IFI، شاخص تناسب تطبیقی CFI استفاده شده است که مقادیر بالای ۰/۹ این شاخص‌ها حاکی از برازش بسیار مناسب شکل طراحی شده در مقایسه با سایر شکل‌های ممکنه است و شاخص برازندگی GFI که نزدیک به ۰/۹ می‌باشد. به عبارت دیگر، داده‌های مشاهده شده تا میزان زیادی منطبق بر مدل مفهومی پژوهش است. در جدول (۹) ضرایب مسیر و معناداری بین متغیرهای پژوهش آمده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، ضرایب مسیر برای هر رابطه در سطح معنی‌داری ۰/۰۵ (t بزرگ‌تر از ۱/۹۶) معنادار به دست آمده است. بنابراین، در این قسمت به بررسی آزمون فرضیات تحقیق با استفاده از نرم مدل یابی معادلات ساختاری لیزرل (Lisrel) و بررسی برازش مدل ساختاری بر اساس ضرایب معناداری Z (مقادیر t-values) می‌پردازیم.

جدول (۹) نتایج رابطه مستقیم و ضرایب معناداری فرضیات مدل

نتیجه آزمون	معناداری	ضریب مسیر	نشان	تحلیل مسیر ابعاد و متغیرها مدل پژوهش
تائید	۲.۹۲	۰.۱۶		عوامل زمینه‌ساز محیطی - توسعه درونی مشاغل کارآفرینانه دریایی
تائید	۷.۱۳	۰.۳۹		در دسترس بودن منابع محوری - تدوین راهبردهای تأمین مالی مشاغل کارآفرینانه دریایی
تائید	۸.۲۱	۰.۴۳		در دسترس بودن منابع محوری - توسعه ساختارهای حمایت‌کننده مشاغل

کارآفرینانه دریایی			
تأیید	۸.۶۸	۰.۴۷	در دسترس بودن منابع محوری - توسعه فرایندهای مشاغل کارآفرینانه دریایی
تأیید	۷.۱۱	۰.۵۲	تأمین مالی مشاغل کارآفرینانه دریایی - عوامل میانجی

بررسی روایی واگرا (تشخیصی) برای ابعاد مدل تحقیق

یکی از روش‌های سنجش این روایی آزمون فورنل- لاکر است هرگاه یک یا چند خصیصه از طریق دو یا چند روش اندازه‌گیری شوند همبستگی بین این اندازه‌گیری‌ها دو شاخص مهم اعتبار را فراهم می‌سازد. اگر همبستگی بین نمرات آزمون‌هایی که خصیصه‌ی واحدی را اندازه‌گیری می‌کند بالا باشد، پرسشنامه دارای اعتبار همگرا می‌باشد. وجود این همبستگی برای اطمینان از این‌که آزمون آنچه را که باید سنجیده شود می‌سنجد، ضروری است. جدول (۱۰)، نتایج به‌دست‌آمده برای متغیرهای این تحقیق را نشان می‌دهد. جدول ذیل نشان می‌دهد که سازه‌ها کاملاً از هم جدا می‌باشند یعنی مقادیر قطر اصلی برای هر متغیر پنهان از همبستگی آن متغیر با سایر متغیرهای پنهان انعکاسی موجود در مدل بیشتر است.

جدول (۱۰) شاخص فورنل لاکر جهت بررسی شاخص روایی تشخیصی یا واگرا

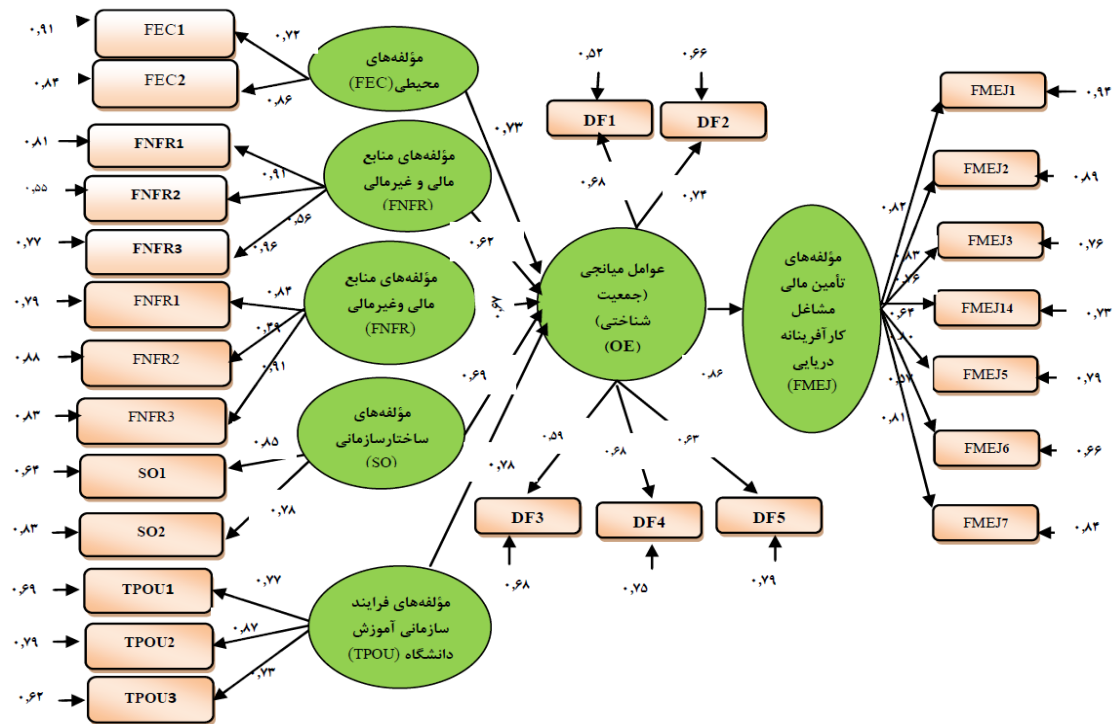
ردیف	متغیرهای پژوهش	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
۱	تأمین مالی مشاغل کارآفرینانه دریایی	۰/۸۳۱	۱						
۲	عوامل محیطی	۰/۷۶۴	۰/۸۸۶	۱					
۳	منابع مالی و غیرمالی	۰/۷۷۴	۰/۸۶۸	۰/۸۷۹	۱				
۴	ایده‌ها و طرح و برنامه‌ها	۰/۸۳۹	۰/۸۸۸	۰/۶۵۹	۰/۸۹۲	۱			
۵	ساختار سازمانی	۰/۶۵۹	۰/۵۷۶	۰/۷۴۰	۰/۶۵۰	۰/۶۳۰	۱		
۶	فرایند سازمانی آموزش دانشگاه	۰/۵۷۶	۰/۴۶۶	۰/۸۱۱	۰/۶۷۷	۰/۶۷۷	۰/۶۷۷	۱	
۷	جمعیت شناختی	۰/۴۸۷	۰/۳۵۵	۰/۶۵۵	۰/۴۶۶	۰/۵۷۷	۰/۵۶۶	۰/۵۰۹	۱

منبع: محاسبات پژوهشگران.

آزمون فرضیه فرعی اصلی بر اساس مدل یابی معادلات ساختاری (SME):

الف). مدل پایه تحقیق در حالت استاندارد:

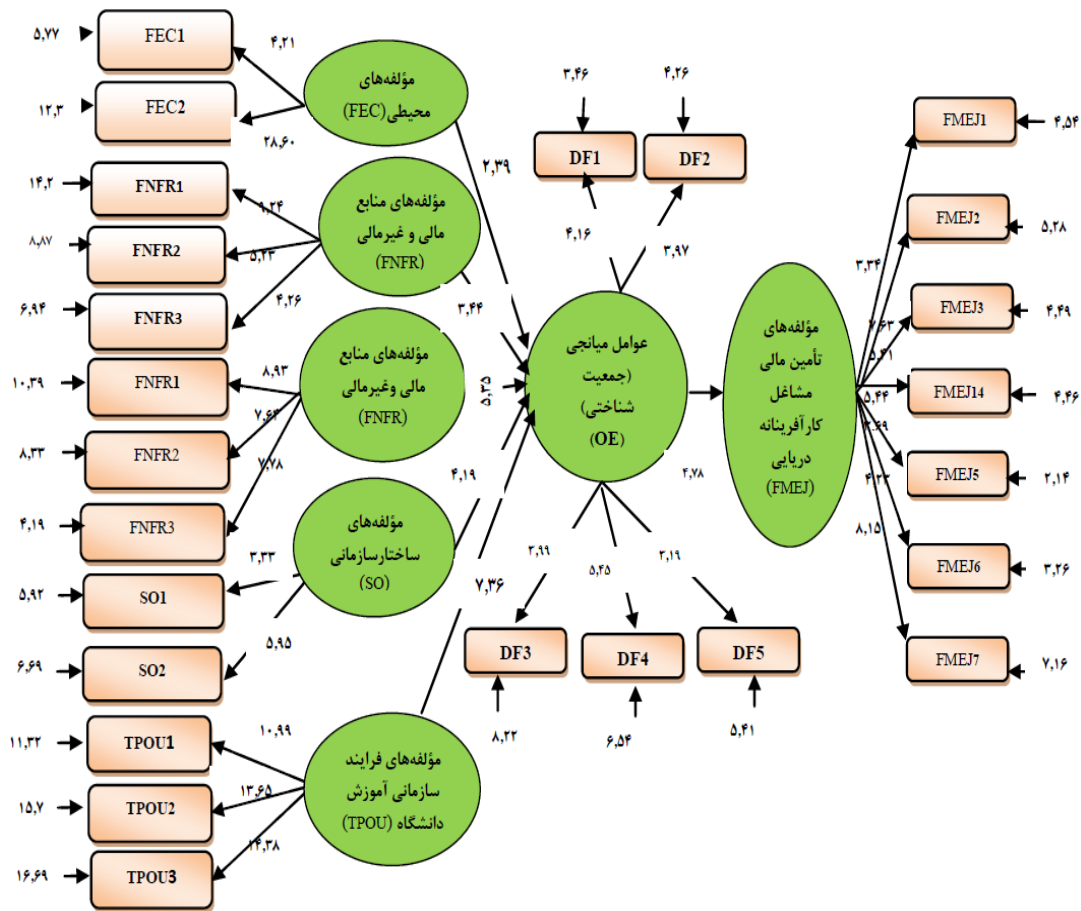
با استفاده از این حالت می‌توان به میزان شدت ارتباط بین دو متغیر مکنون در مدل پی برد و از روی آن در مورد تأثیر متغیرها بر هم‌دیگر اظهار نظر نمود.



شکل (۲) مدل پایه پژوهش در حالت استاندارد تحقیق
منبع: یافته‌های تحقیق (محاسبه به کمک نرم‌افزار آماری (Lisrel))

ب). مدل پایه تحقیق در حالت اعداد معنی‌داری:

با استفاده از این حالت می‌توان به معنی‌دار بودن ارتباط بین دو متغیر مکنون در مدل پی برد و از روی آن در مورد رد یا پذیرش فرضیه‌های تحقیق اظهار نظر نمود. در رابطه با معنی‌داری اعداد، باید گفت از آنجایی که در این تحقیق در سطح اطمینان ۰/۹۵ یا خطای ۰/۰۵ به دنبال آزمون فرضیات هستیم برای آزمون میزان آماره‌ی (t-test)، ویلیام گاست اعدادی معنی‌دار خواهند بود که خارج از بازه (-۱/۹۶-۱/۹۶) باشند. به این معنی که اگر در آزمون میزان آماره‌ی (t-test)، ویلیام گاست عددی بین ۱/۹۶ - ۱/۹۶- باشد بی‌معنا خواهد بود.



شکل (۳) مدل پایه تحقیق در حالت معنی داری
منبع: یافته‌های تحقیق (محاسبه به کمک نرم‌افزار (Lisrel))

در شکل شماره (۲) و شکل شماره (۳)، به ترتیب نتایج حاصل از بررسی مدل ساختاری تحقیق همراه با ضرایب بارهای عاملی و ضرایب معناداری Z ارایه شده است. از این رو، با توجه به شکل شماره (۳) چون ضرایب t برای همه فرضیه‌های پژوهش بیشتر از $1/96$ به دست آمده‌اند، لذا، در سطح اطمینان 95% معنادار بودن آن‌ها تأیید می‌شود. به بیان دیگر، با توجه به مدل پایه پژوهش در حالت اعداد معنی داری، میزان آماره t ، عوامل محیطی و زمینه‌ای عوامل درون سازمانی بر تأمین مالی مشاغل کارآفرینانه دریایی در فرایند آموزش عالی دانشگاه با تأکید بر شرکت‌های نوپای مبتنی بر حوزه تولیدات و گردشگری آبی می‌باشد و از آنجائی که این مقدار در خارج از بازه $[1/96 - 1/96]$ قرار دارد.

بنابراین، این فرضیه تأیید می‌شود. با توجه به ضریب استاندارد هم می‌توان گفت که عوامل محیطی و زمینه‌ای عوامل درون سازمانی بر تأمین مالی مشاغل کارآفرینانه دریایی در فرایند بخش آموزش عالی دانشگاه با تأکید بر شرکت‌های نوپای مبتنی بر حوزه تولیدات و گردشگری آبی تأثیر معناداری دارد یا مورد تأیید واقع می‌شود. البته این روند تأیید بر اساس مدل پایه تحقیق در حالت استاندارد و مدل پایه تحقیق در حالت اعداد معنی داری می‌باشد. به طوری که با استفاده از این حالت می‌توان به معنی دار بودن ارتباط بین دومتغیر مکنون در مدل پی برد و از روی آن در مورد رد یا پذیرش فرضیه‌های پژوهش اظهار نظر نمود. بنابراین، براساس نتایج دو بیان شده در قسمت مدل فوق نتیجه می‌گیریم که فرضیه‌های پژوهش حاضر که بیان می‌کند که عوامل محیطی و زمینه‌ای عوامل درون سازمانی بر تأمین مالی مشاغل کارآفرینانه دریایی در فرایند بخش آموزش عالی دانشگاه با تأکید بر شرکت‌های نوپای مبتنی بر حوزه تولیدات و گردشگری آبی تأثیر معناداری دارد مورد تأیید واقع می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

رویکردهای علمی در دانشگاه مسیره‌های مختلفی را طی نموده است. اولین مسیر حرکت به سوی مسائل آموزشی، مسیر دوم حرکت به سوی ایجاد یک دانشگاه پژوهشی ضمن توجه به مسائل آموزشی، مسیر سوم حرکت به سوی ایجاد یک دانشگاه کارآفرین و مسیر اخیر یعنی مسیر چهارم هم حرکت به سوی ایجاد یک دانشگاه مسئله محور بوده است. بنابراین، به نظر می‌رسد که در مسیر چهارم یعنی ایجاد دانشگاه مسئله محور و یک دانشگاهی که بتواند مسائل و مشکلات جامعه را برطرف سازد دارای اهمیت و ضرورت اساسی است. در این راستا، در سال‌های اخیر کشورهای مختلف در راستای نیل اهداف به استقرار اقتصاد دانش‌بنیان، برنامه‌ریزی‌های لازم را جهت همسویی رشد و توسعه اقتصادی و فناوری ایجاد نمودند. بدین منظور، در بین کشورها یک تغییر اساسی در نحوه انجام فعالیت‌های اقتصادی بنگاه‌های تجاری شکل گرفت. البته، این رویکرد، بر اساس تغییر در مبانی نظری و دیدگاه‌های اندیشمندان حوزه‌های مختلف علمی در فرایند بخش آموزش عالی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی معتبر در جهان در خصوص مدیریت نوین کسب‌وکارهای مختلف بوده است. در حقیقت، نظریه‌پردازی جدید مبتنی بر یک سری ایده‌های مفید بوده که منجر به راه‌اندازی کسب‌وکارهای جدید شده است. یک از آن تحولات بنیادی شکل‌گیری مشاغل کارآفرینانه در اقتصاد نوین بوده است. در این خصوص، پژوهش حاضر هم باهدف بررسی عوامل مؤثر بر تأمین مالی مشاغل کارآفرینانه در فرایند بخش آموزش عالی دانشگاه با تأکید بر شرکت‌های نوپای مبتنی تولیدات و گردشگری آبی انجام شده است. روش بررسی این تحقیق از نظر هدف کاربردی و از نظر نحوه گردآوری داده‌ها از تحقیقات توصیفی از نوع پیمایشی می‌باشد. برای جمع‌آوری داده‌ها از ابزار پرسشنامه استفاده گردید. جامعه آماری پژوهش شامل کارشناسان، خبرگان و فعالان حوزه کارآفرینی در ایران می‌باشد. از این رو، با توجه به نامحدود بودن تعداد جامعه آماری، انتخاب نمونه با استفاده از کرجسی و مورگان و به شیوه تصادفی ساده به تعداد ۳۸۴ نفر تعیین شده است. به‌طور کلی، این پژوهش بدین صورت اجرا شده است که در بخش مقدمه به بیان مسئله، اهمیت و ضرورت و هدف پژوهش، در بخش دوم، مبانی نظری، پیشینه پژوهش و الگوی مفهومی، در قسمت سوم نیز مباحث روش‌شناسی و در قسمت چهارم هم یافته‌های پژوهش با توجه به ماهیت اهداف و مدل مفهومی و در نهایت بخش پنجم نیز بحث و نتیجه‌ناشی از نتایج پژوهش ارائه تشریح شده است. به‌طوری‌که خلاصه نتایج آن در دو بخش توصیفی و استنباطی و همچنین نتایج اجرای روش‌شناسی ارائه شده است. درجایی‌که در بخش توصیفی متغیرهای جمعیت شناختی نظیر شناختی (سن، تحصیلات، سابقه خدمت، رده سازمانی و رشته تحصیلی) ارائه شده است. همچنین، یافته‌های بخش آمار توصیفی متغیرهای پژوهش نشان داد که بر اساس داده‌های گردآوری‌شده به‌عنوان داده صحیح پیرامون متغیرهای تحقیق گردآوری‌شده است. در این خصوص میانگین نمرات متغیرهای پژوهش موردقبول واقع شدند. یعنی میانگین از نقطه برش طیف بیشتر بودند و ایراد خاصی ایجاد ننمودند. نتایج فوق نشان می‌دهد که همه میانگین‌های متغیرها بیشتر از نقطه برش (برش طیف) طیف ۵ نقطه‌ای لیکرت (۲/۵) می‌باشد و پاسخگویان نسبت به سؤالات تحقیق همسو با اهداف تحقیق جواب داده‌اند و داده‌ها با انحراف معیار متناسب اطراف میانگین پراکندگی دارند. همچنین، ضریب پایایی برای پرسشنامه‌های پژوهشی (۰/۷) مورد بررسی قرار گرفته است. ملاحظه گردید که ضریب آلفای کرون باخ به‌دست‌آمده از این مقدار بالاتر است و مناسب می‌باشد. بنابراین بیان گردید که پرسشنامه‌های فوق از اعتبار کافی برخوردار می‌باشند. بدین معنی که پاسخ‌های داده شده ناشی از شانس و تصادف نبوده، بلکه به خاطر اثر متغیری می‌باشد که مورد آزمون قرار گرفته است. علاوه بر این، جهت آزمون الگوی پژوهش، در مجموع در دو بخش تحلیل عاملی و تحلیل ساختاری (مدل یابی معادلات ساختاری) به انجام رسید که یافته‌های آن دورها به تفکیک در ادامه ارائه گردید. به‌طوری‌که پس از تجمیع پرسشنامه از پاسخ‌دهندگان، داده‌های پژوهش در دو سطح آمار توصیفی و استنباطی و با نرم‌افزارهای اس.پی.اس. اس (SPSS23) و نرم‌افزار اسمارت پی.ال.اس. (SmartPLS) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. به‌طور کلی نتایج فرضیه‌های پژوهش حاضر نشان داد که عوامل محیطی و زمینه‌ای عوامل درون‌سازمانی بر تأمین مالی مشاغل کارآفرینانه دریایی در فرایند بخش آموزش عالی دانشگاه با تأکید بر شرکت‌های نوپای مبتنی بر حوزه تولیدات و گردشگری آبی تأثیر معناداری دارد. با این حال، با توجه به این‌که نتایج پژوهش حاضر نشان داد که عوامل درون‌سازمانی و برون‌سازمانی (محیطی) در عرضه وجوه و تأمین مالی وجوه موردنیاز بخش مشاغل کارآفرینانه دریایی تأثیرگذار است، از این رو، این موضوع به

فرایند بخش آموزش عالی در دانشگاه‌ها مؤسسات آموزش عالی کشور کمک می‌کند تا در این خصوص راهبردهای محوری را در راستای ارتقاء کارآفرینی گام‌های مؤثرتری را بردارند. به عبارت دیگر نتایج پژوهش حاضر نشان داد که فرضیه اول که عوامل زمینه‌ساز محیطی با توسعه درونی مشاغل کارآفرینانه دریایی در فرایند بخش آموزش عالی دانشگاه ارتباط معناداری دارد. نتایج فرضیه دوم هم نشان داد که در دسترس بودن منابع محوری با تدوین راهبردهای تأمین مالی مشاغل کارآفرینانه دریایی در فرایند بخش آموزش عالی دانشگاه ارتباط معناداری دارد. همچنین، نتایج فرضیه سوم نشان داد که در دسترس بودن منابع محوری با توسعه ساختارهای حمایت‌کننده مشاغل کارآفرینانه دریایی در فرایند بخش آموزش عالی دانشگاه ارتباط معناداری دارد. علاوه بر این، نتایج مربوط به فرضیه چهارم نشان داد که در دسترس بودن منابع محوری با توسعه فرایندهای مشاغل کارآفرینانه دریایی در فرایند بخش آموزش عالی دانشگاه ارتباط معناداری دارد.

منابع

- آقاجانی، حسنعلی، عباسقلی پور محسن، فهیمی راد محدثه، (۱۳۹۲). تبیین روش‌های تأمین مالی طرح‌های کارآفرینانه مطالعه موردی: تعاون گران استان مازندران. نشریه رشد فناوری، ۲۹(۹): ۳۶-۲۹.
- چیت‌سازان، هستی، طالبی، کامبیز، محب علی، امیر. (۱۳۹۶). شناسایی و اولویت‌بندی رایج‌ترین روش‌های تأمین مالی خود راه‌انداز در کسب‌وکارهای نوپای حوزه (IT). فصلنامه علمی پژوهشی توسعه کارآفرینی، ۱۰(۱)، ۶۱-۷۹.
- حقیقی، علی نائج، سعیدی، پرویز، دیده خانی، حسین، نظریان، رافیک. (۱۳۹۸). بررسی تأثیر راهبردهای تأمین مالی شرکت‌های نوپای مبتنی بر فن‌آوری‌های نوین بر موقعیت ژئوآکونومیکی ایران. فصلنامه جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای)، ۹(۲): ۵۵۷-۵۷۸.
- سلطانی، سودا، خوش‌چهره جمالی، محمد، مهر آرا، محسن، (۱۳۹۲). بررسی روش‌های تأمین مالی بر ارزش شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته‌ی تحصیلی علوم اقتصادی- اقتصاد نظری، پردیس بین‌المللی ارس دانشگاه تهران، تهران، ایران.
- شهرابی، بهزاد، اشرفی، مجید، عباسی، ابراهیم. (۱۳۹۸). مدل یابی عوامل تأثیرگذار بر تأمین مالی استارت آپ‌ها (کسب‌وکارهای نوپا) با تکنیک دیمتال. راهبرد مدیریت مالی، ۷(۲): ۶۱-۸۹.
- کریمی، آصف، بوذر جمهری، شهریار. (۱۳۹۳). تحلیل سازوکارهای تأمین مالی کسب‌وکارهای کوچک و متوسط. فصلنامه علمی پژوهشی توسعه کارآفرینی، ۳(۲۵): ۴۶۷-۴۸۶.
- محمودی عالمی، علی، اسمعیلی عالمی، حبیب اله. (۱۳۸۸). بررسی روش‌های تأمین مالی در طرح‌های کارآفرینانه بخش تعاون استان مازندران. فصلنامه تعاون و کشاورزی، ۲۱(۱): ۱۲۶-۱۱۳.
- ملکی کرم آباد، محمدمهدی، آقاجانی، حسنعلی، منطقی، منوچهر، عبدی، بهنام. (۱۳۹۹). تبیین نقش آموزش عالی در همپایی فناورانه صنایع بخش دفاع. فصلنامه علمی آموزش علوم دریایی، ۷(۱)، ۳۰-۱۹.
- نائج حقیقی، علی، سعیدی، پرویز، دیده خانی، حسین، نظریان، رافیک. (۱۳۹۸). بررسی تأثیر تحریم‌های غرب بر راهبردهای تأمین مالی شرکت‌های نوپای مبتنی بر فن‌آوری‌های نوین در ایران. فصلنامه علمی و پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، ۱۱(۴): ۵۳۹-۵۱۱.

- Andenes, Sondre., Even Lloyd Pendegraft., Tor Aase Johannessen (2016). Financing of Startups (A Comparative Study of Norway and the USA). Master thesis in Financial Economics and Business Analysis & Performance Management, Norwegian School of Economics, Bergen, spring, 2016.
- Culkin, N. (2016). Entrepreneurial universities in the region: The force awakens? Int. J. Entrep. Behav. Res. 2016, 22, 4-16. [Google Scholar] [CrossRef].
- Epstein, Brendan., Finkelstein Shapiro, Alan., (2017). Employment and firm heterogeneity, capital allocation, and countercyclical labor market policies. Journal of Development Economics, Volume 127, July 2017, pp: 25-41.
- Etzkowitz, H. (2003). Research groups as 'quasi-firms'. The invention of the entrepreneurial University. Res. Policy 2003, 32, 109-121. [Google Scholar] [CrossRef]
- Fernández, I.; Castro, E.; Conesa, F.; Gutiérrez, A. (2000). Las relaciones universidad-empresa: Entre la transferencia de resultados y el aprendizaje regional. Rev. Espac. 2000, 21, 1-18. [Google Scholar].
- Fernández, I.; Castro, E.; Conesa, F.; Gutiérrez, A. (2000). Las relaciones universidad-empresa: Entre la transferencia de resultados y el aprendizaje regional. Rev. Espac. 2000, 21, 1-18.

- García-Peñalvo, F.J. (2016). La tercera misión. *Educ. Knowl. Universidad de Salamanca España, Soc.* 2016, 17(1), 7–18. [CrossRef].
- Giardino, M. Unterkaustein, N. Paternoster, T. Gorschek & P. Abrahamsson, P., (2014). What Do We Know about Software Development in Startups? *IEEE Software.*, 31(5):28–32.
- González, T. (2009). El modelo de triple hélice de relaciones universidad, industria y gobierno: Un análisis crítico. *Arbor Cien. Pens. Cult.* 2009, 738, 739–755. [Google Scholar] [CrossRef]
- Leskisenoja, Olli Anton., Virtanen, Aila., (2015). Real Options Analysis as a tool for Start-Up Company Investment Valuation. Fall 2015, Type of work Master's Thesis, Supervisor: Aila Virtanen, Jyväskylä School of Business and Economics, Number of pages 56.
- Manigart, Sophie, and Carol Struyf. (1997). "Financing High Technology Startups in Belgium: An Explorative Study." *Small Business Economics*, vol. 9, no. 2, 1997, pp. 125–135. www.jstor.org/stable/40228635.
- María José Bezanilla, Ana García-Olalla, Jessica Paños-Castro and Arantza Arruti., (2020). Developing the Entrepreneurial University: Factors of Influence. *Sustainability* 2020, 12(3), 842; <https://doi.org/10.3390/su12030842>, Received: 28 November 2019 / Revised: 15 January 2020 / Accepted: 20 January 2020 / Published: 23 January 2020.
- Marina Klačmer Čalopa., Jelena Horvat., Maja Lalić., (2014). Analysis Of Financing Sources For Start-up Companies. *Management*, Vol. 19, 2014, 2 :19-44.
- Mazhar Islam, Adam Fremeth, Alfred Marcus., (2017). Signaling by early stage startups: US government research grants and venture capital funding. *Journal of Business Venturing*, Volume 33, Issue 1, January 2018: 35–51
- Montoya, O. (2009). La relación universidad medio: Una mirada desde el enfoque de la triple hélice. *Sci. Tech.* 2009, 42, 166–171. [Google Scholar].
- O'Shea, R.; Allen, T.; O'Gorman, C.; Roche, F. (2004). Universities and Technology Transfer: A Review of Academic Entrepreneurship Literature. *Ir. J. Manag.* 2004, 25, 11–29. [Google Scholar].
- Organization for Economic Co-operation and Development (OECD)., (2015). New approaches to SME and Entrepreneurship Financing: Broadening the Range of Instruments. Working Paper, This report was transmitted to G20 Finance Ministers and Central Bank Governors at their meeting on 9-10 February 2015 in Istanbul.
- Pei-Lee, T.; Chen-Chen, Y. (2003). Multimedia University's experience in fostering and supporting undergraduate student technopreneurship programs in a triple helix model. *J. Technol. Manag. China* 2008, 3, 94–108. [Google Scholar] [CrossRef].
- Sanabria-Rangel, P.E.; Morales-Rubiano, M.E.; Ortiz-Riaga, C. (2015). Interacción universidad y entorno: Marco para el emprendimiento. *Educ. Educ.* 2015, 18, 111–134. [CrossRef].
- Timmons, J. A. And Spinelli S., (2008). *New Venture Creation*, 8th edition. Boston: Mc Graw Hill.
- Torrejón, A. (2013). La aplicación social de la investigación: Hacia una universidad emprendedora. *Encuent. Multidis.* 2013, 15, 36–46. [Google Scholar].
- Yung, Chris., (2019). Entrepreneurial manipulation with staged financing. *Journal of Banking & Finance*, Volume 100, March 2019:273-282.